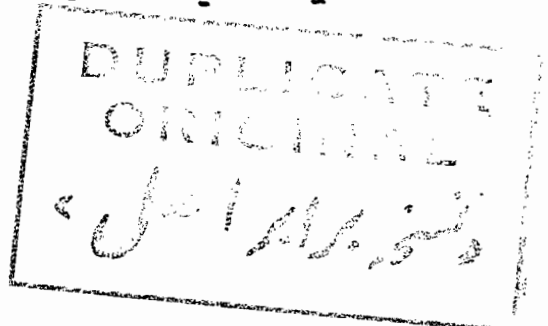


IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

PARTIAL AWARD

Case No. 93
Chamber One

دیوان داورى دعوى ایران - ایالات متحده



پرونده شماره ۹۳
شعبه یک
حکم شماره ۱-۹۳-۲۸۹

فورد ارو اسپیس اند کامیونیکیشنز کورپوریشن،
خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،
بانک مرکزی ایران،
خواندگان.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داورى دعوى ایران-ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
29 JAN 1987	تاریخ
۱۲۶۵ / ۱۱ / ۹	
93	شماره

حکم جزئی

حاضران:

از طرف خواهان: آقای ک. ولف
مشاور حقوقی،

آقای ام. مک کال
وکیل،

آقای ال. چان
آقای د. مک کرری
نمایندگان خواهان،

از طرف خواندگان: آقای محمد کریم اشراق
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

آقای علی اکبر ریاضی

مشاور حقوقی نماینده رابط،

آقای عبدالحسین فاطمی
وکیل وزارت دفاع،

آقای علی اکبر استادیفر
نماینده فنی نیروی هوایی ایران،

آقای محمد اختراعی
نماینده بانک مرکزی ایران

آقای دانیل ام. پرایس
قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده آمریکا.

سایر حاضران:

فهرست موضوعات

<u>صفحه</u>	
	اول - موضوعات شکلی
۶	۱ - توجه دعوی به بانک مرکزی
۶	۲ - اصلاحیه دادخواست
۷	۳ - لایحه توجیهی و مدارک معارض تسلیمی خواهان در ۲۰ مارس ۱۹۸۶ (۲۹ اسفندماه ۱۳۶۴)
۸	۴ - اسناد و مدارک تأییدی خواهان
۱۰	۵ - درخواست خوانده در مورد کسب نظر کارشناس
	دوم - واقعیات و اظهارات
۱۰	
	سوم - دلایل صدور قرار
۱۷	۱ - صلاحیت
۱۷	(الف) قید انتخاب مرجع رسیدگی
۱۸	(ب) تابعیت امریکائی خواهان
۱۹	(ج) اهلیت خواهان
	۲ - ماهیت دعوی
۱۹	(الف) اجرای قراردادها
۲۲	(ب) فسخ قراردادها
	(ج) شمول مقررات قراردادی حاکم بر فسخ قرارداد به صلاحدید خوانده، نسبت به پرونده حاضر
۲۵	الف الف) صورتحسابهای تادیه نشده
۲۹	ب ب) (مبالغ کسر شده از صورتحسابها
۳۰	ج ج) (هزینه های فسخ
۳۱	- هزینه های اکتبر ۱۹۷۹ الی اوت ۱۹۸۱
۳۲	- هزینه های مربوط به بعد از اوت ۱۹۸۱
۳۳	- هزینه های بالاسری
۳۴	د د) (عدم النفع

۳۵	هـ- بهره
۳۶	و (اعتبارات اسنادی انکائی و ضمانت نامه های بانکی
۳۸	د) بدهی مالیاتی
۳۹	هـ) جریان دادرسی در ایران
۴۱	و) هزینه ها
۴۱	ز) ادعاهای متقابل
۴۱	الف الف) مانده پیش پرداخت خوانده و خسارات
۴۲	ب ب) مالیاتها
۴۳	ج ج) وسایل و تجهیزات ارائه شده توسط خریدار

۱ - ادعای مطروح در پرونده حاضر از دو قراردادی ناشی می شود که قسمتی از پروژه معروف به "آی بی کس" (IBEX) را تشکیل داده و به منظور مدرنیزه کردن و توسعه سیستم جمع آوری اطلاعات الکترونیکی نظامی ایران منعقد شده بودند. رجوع شود به حکم شماره ۱-۶۴-۱۸ (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵ / ۶ تیرماه ۱۳۶۴) در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینک به طرفیت دولت جمهوری اسلامی ایران، و حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱ (۲۵ سپتامبر ۱۹۸۵ / ۳ مهرماه ۱۳۶۴) در پرونده کوئستک اینکوریوریتد به طرفیت وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران، و حکم شماره ۱-۴۸۰-۱۹۷ (۳۰ اکتبر ۱۹۸۵ / ۸ آبان ماه ۱۳۶۴) در پرونده توش راس اند کامپنی به طرفیت جمهوری اسلامی ایران. به موجب دو قرارداد مزبور پرونده حاضر (شماره های ۱۲۶ و ۱۳۰)، قرار بود ارونوترانیک اورسیز سرویسز، اینک. ("ارونوترانیک") که حسب ادعا شرکت وابسته و صد درصد متعلق به خواهان است، وسایل و تجهیزات، پرسنل واجد شرایط، تسهیلات و اطلاعات و خدمات مربوط به "قسمت پروسه کردن و تجزیه و تحلیل اطلاعات زمینی" و "قسمت جمع آوری اطلاعات زمینی" سیستم آی بی کس را تامین و تهیه کند. خواهان، فورد آرو اسپیس اند کامیونیکیشنز کورپوریشن ادعا می کند که خوانده، دولت جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۹۷۹ قراردادهای مزبور را نقض و رد کرده است. دولت ایران اظهار می دارد که خواهان در اجرای قراردادهای کوتاهی و آنها را نقض کرده و براین اساس، ادعای متقابلی مطرح می کند. بانک مرکزی، که خواهان علیه وی نیز طرح دعوا کرده، نمی پذیرد که دعوی متوجه اوست. در این پرونده، قرار موقتی صادر و از دولت ایران تقاضا شد که دعوی اقامه شده در دادگاه عمومی تهران را در مورد ادعاهای مطروح توسط دولت ایران که با ادعاهای متقابل مطروح در دیوان یکسان بوده است، متوقف سازد. رجوع شود به قرار موقت شماره ۲-۹۳-۱۶ (۲۷ آوریل ۱۹۸۳ / ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) صادره در پرونده، فورد آرو اسپیس اند کامیونیکیشنز کورپوریشن به طرفیت دولت ایران و سایرین. جلسه استماع مقدماتی پرونده در ۲۶ ژانویه ۱۹۸۴ (۴ بهمن ماه ۱۳۶۲) و جلسه استماع پرونده در روزهای ۱۸ و ۱۹ ژوئن ۱۹۸۶ (۲۸ و ۲۹ خردادماه ۱۳۶۵) تشکیل گردید.

اول - موضوعات شکلی

۱ - توجه دعوی به بانک مرکزی

۲- خواهان در دادخواستی که در ۱۸ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۷ آبان ماه ۱۳۶۰) به ثبت رسانده از بانک مرکزی به عنوان خوانده نام برده است. بانک مرکزی تقاضا کرده که نام وی از فهرست خوانندگان حذف شود و همچنین درخواست کرده که حکمی به مبلغ ۵۷۵۰/۰ دلار بابت هزینه‌ها، که شامل ۴۰۰۰/۰ دلار حق الوکاله و هزینه سفر و اقامت نماینده بانک مرکزی در لاهه و ۱۷۵۰/۰ دلار هزینه سفر رفت و برگشت وی به ایران، از جمله عوارض خروج نماینده مزبور است، به نفع بانک صادر شود. در لایحه‌ای که در ۱۵ مارس ۱۹۸۴ (۲۴ اسفندماه ۱۳۶۲) تسلیم گردید، خواهان پیشنهاد نمود ادعای مطروح علیه بانک مرکزی را مسترد" دارد، ولی ضمناً" به درخواست بانک مرکزی بابت هزینه‌ها اعتراض کرد.

۳ - با توجه به درخواست بانک مرکزی به منظور حذف وی از فهرست خوانندگان، و موافقت خواهان با استرداد ادعایش علیه بانک مرکزی، دیوان مقرر می دارد که نام بانک مرکزی به عنوان خوانده حذف شود. لیکن، چون مبنای ذکر نام بانک مرکزی به عنوان خوانده، به حد کافی اثبات نگردیده، خواهان باید هزینه های بانک مرکزی را به مبلغ ۵۷۵۰/۰ دلار بپردازد.

۲ - اصلاحیه دادخواست

۴ - خواهان در دادخواست خود که در ۱۸ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۷ آبان ماه ۱۳۶۰) به ثبت رسید، بدواً ادعائی جمعا" به مبلغ ۱۷،۶۹۹،۰۶۵/۰ دلار که بهره متعلقه را شامل نمی‌شود، مطالبه کرده بود، و در لایحه استماعی که در ۱۹ دسامبر ۱۹۸۴ (۲۸ آذرماه

۱۳۶۳) به ثبت رسانده، ادعای خود را اصلاح کرد. خواسته نقدی وی اینک جمعا" ۱۷۸،۸۷۷،۱۰۵/- دلار، بدون بهره متعلقه است. خواهان توضیح داده که مبلغ ۱۷۸،۰۴۰/- دلار افزایش ادعاء شامل ۳۰،۴۰۰/- دلار بابت تعدیل هزینه های اضافی ناشی از فسخ است، به علاوه مبلغ ۱۴۷،۶۴۰/- دلار بابت کم برآورد شدن سودی که مورد ارو اسپیس، حسب ادعا ذیحق دریافت آن می باشد.

۵ - دیوان طبق ماده ۲۰ قواعد خود، اصلاحیه دادخواست رامی پذیرد، زیرا اصلاحیه با تاخیر به ثبت نرسیده و موجب تبعیض نسبت به خواننده نمی شود و ضمنا" "اوضاع و احوال قطعی دیگری" که دیوان بر آن اساس پذیرش اصلاحیه را مصلحت نداند، وجود ندارد. رجوع شود به قرار اعدادی شماره ۱-۱۲۳-۵۷ (۳۰ ژانویه ۱۰/۱۹۸۶ بهمن ماه ۱۳۶۴) در پرونده اینترنشنال اسکولز سرویسز، اینک به طرفیت جمهوری اسلامی ایران وسایرین.

۳ - لایحه توجیهی و مدارک معارض تسلیمی خواهان در ۲۰

مارس ۱۹۸۶ (۲۹ اسفندماه ۱۳۶۴)

۶ - خواهان طبق دستور مورخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۴ (۲۷ شهریورماه ۱۳۶۳) دیوان، لایحه استماع و مدارک کتبی خود را در ۱۹ دسامبر ۱۹۸۴ (۲۸ آذرماه ۱۳۶۳) به ثبت رساند. ولی خواننده، دولت ایران لایحه استماع و مدارک کتبی را که ابتدا قرار بود تا ۱۴ ژانویه ۱۹۸۵ (۲۴ دیماه ۱۳۶۳) تسلیم نماید، بعد از پنج بار تمدید مهلت تا ۱۶ اکتبر ۱۹۸۵ (۲۴ مهرماه ۱۳۶۴) به ثبت نرساند. در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ (۵ اسفندماه ۱۳۶۴) خواهان اجازه خواست لایحه و مدارک معارض خویش را به ثبت رساند. دیوان طی دستور مورخ ۲۸ فوریه ۱۹۸۶ (۹ اسفندماه ۱۳۶۴) خویش از خواهان خواست که تا ۲۰ مارس ۱۹۸۶ (۲۹ اسفندماه ۱۳۶۴) به این کار اقدام نماید و از خوانندگان دعوت کرد که تا ۹ مه ۱۹۸۶ (۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵) لایحه و مدارک معارض با لایحه

خواهان را به ثبت رسانند. در آن دستور همچنین قید گردید که چون تاریخ جلسه استماع برای روزهای ۱۸ و ۱۹ ژوئن ۱۹۸۶ (۲۸ و ۲۹ خردادماه ۱۳۶۵) تعیین شده، با تمدید مهلت موافقت نخواهد شد. خواهان لایحه و مدارک معارض خود را در ۲۰ مارس ۱۹۸۶ (۲۹ اسفندماه ۱۳۶۴) به ثبت رساند و خوانده در لایحه ای که در ۸ مه ۱۹۸۶ (۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵) ثبت نمود، ادعا کرد همانطور که نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران طی اعتراضیه ای که در تاریخ ۱۸ مارس ۱۹۸۶ (۲۷ اسفندماه ۱۳۶۴) راجع به دستور مورخ ۲۸ فوریه ۱۹۸۶ (۹ اسفندماه ۱۳۶۴) به ثبت رساند، پیش بینی کرده بود، تسلیم پاسخ به لایحه و مدارک معارض خواهان، برای وی میسر نبوده است.

۷ - دیوان داوری نظری را که طی دستور مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۸۶ (۲۱ فروردین ماه ۱۳۶۵) داده، به شرح زیر عیناً تکرار می کند:

"چنانچه پاسخگویی به لایحه توجیهی و مدارک معارض خواهان، خواه به علت حجم و خواه به دلیل مندرجاتشان، به مدت زیادی احتیاج می داشت، دیوان داوری ممکن بود در برنامه رسیدگیهای خود که به استماع پرونده در روزهای ۱۸ و ۱۹ ژوئن ۱۹۸۶ (۲۸ و ۲۹ خردادماه ۱۳۶۵) منتهی می شود، تجدیدنظر کند. لیکن، دیوان پس از بررسی لایحه توجیهی و مدارک معارض خواهان، ملاحظه می نماید که لایحه توجیهی فقط شامل ۱۸ صفحه و تعداد پیوست های آن نسبتاً معدود است که قسمت اعظم آن هنوز مربوط به ادعای هزینه ها است. بنابراین، و نیز از آنجا که انتظار می رود طرفین پرونده هائی را که تاریخ استماع آنها قبلاً تعیین شده مقدم شمارند، به نظر دیوان، خواندگان در وضعیتی بودند که می توانستند ظرف مهلت مقرر در دستور مورخ ۲۸ فوریه ۱۹۸۶ (نهم اسفندماه ۱۳۶۴)، به این لایحه جواب دهند."

۴ - اسناد و مدارک تأییدی خواهان

۸ - نماینده وزارت دفاع در جلسه استماع ادعا کرد که نتوانسته در برابر اسناد تأییدی حییمی که خواهان تسلیم نمود، دفاعیه مناسبی تهیه کند، زیرا تنها چند هفته قبل از جلسه استماع، آنها را دریافت کرده است. در مورد این اسناد تأییدی، دیوان مفاد دستور مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۸۶ (۲۱ فروردین ماه ۱۳۶۵) خود را به شرح زیر عیناً

تکرار می نماید:

الف - در تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۸۴ (۲۱ آذرماه ۱۳۶۳)، خواهان نسخه ای از مجلدات حاوی قبضهای رسید ارقام و اطلاعات مهندسی را به ثبت رساند. در ۲۰ دسامبر ۱۹۸۴ (۲۹ آذرماه ۱۳۶۳)، رئیس شعبه یک مقرر داشت که به علت حجم زیاد مدارک، فقط یک نسخه از این اسناد، در دفتر دیوان ثبت شود و جهت استفاده خوانندگان و دیوان در دسترس باشد. نسخ دستور مذکور در ۲۴ دسامبر ۱۹۸۴ (۳ دیماه ۱۳۶۳) به نمایندگان رابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا تحویل گردید. بدینسان، دولت جمهوری اسلامی ایران که خواننده اصلی این پرونده است، از آن تاریخ از وجود این اسناد تأییدی مطلع بوده و فرصت بررسی آنها را داشته است.

ب - گرچه طبق دستور ریاست شعبه، فقط یک نسخه از اسناد تأییدی باید به ثبت می‌رسید، بااینحال، خواهان خلاصه اطلاعات مندرج در اسناد را به تعداد کامل نسخی که طبق قواعد دیوان الزامی بوده، تسلیم داشته است. خلاصه اسناد که در ۱۲ دسامبر ۱۹۸۴ (۲۱ آذرماه ۱۳۶۳) ثبت شده، در پیوستهای ۴۷ و ۴۸ سند شماره ۱۶۷ ثبت مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۸۴ (۲۸ آذرماه ۱۳۶۳) ارائه شده است. خلاصه دسته دوم اسناد تأییدی که خواهان در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ (۵ اسفندماه ۱۳۶۴) ثبت نموده، حاوی پیوستهای ۲۸ الی ۳۱ سند شماره ۱۶۷ می‌باشد.

ج - پس از آنکه خواهان لایحه قبل از استماع و مدارک کتبی خود، از جمله سند شماره ۱۶۷ را در تاریخ ۱۹ دسامبر ۱۹۸۴ (۲۸ آذرماه ۱۳۶۳) به ثبت رساند، خواننده، دولت جمهوری اسلامی ایران تا ۱۶ اکتبر ۱۹۸۵ (۲۴ مهرماه ۱۳۶۴) نسبت به ثبت لایحه قبل از استماع و مدارک کتبی خود اقدامی ننمود. طی ده ماه مهلت مذکور، خواننده وقت و فرصت کافی داشت که پاسخ خود به مندرجات سند شماره ۱۶۷ را در آن مدارک درج و در مورد اسناد تأییدی لایحه یاد شده که در دفتر دیوان در دسترس بود، هرگونه تقاضای خاصی را تسلیم نماید.

د - علاوه براین، رویه دیوان این بوده است که برخی از مدارک و مطالب تأییدی را فقط در یک نسخه بپذیرد. در رابطه با مطالب تأییدی که توسط خواهان در مورد این پرونده تسلیم شده، دیوان دلیلی بر انحراف از این رویه نمی‌بیند. بنابراین، تسلیم مدارک تأییدی نیز تغییری در برنامه رسیدگیهای این پرونده ایجاد نمی‌نماید.

۵ - درخواست خواننده در مورد کسب نظر کارشناس

۹ - خواننده در لوایح خود به کرات از دیوان تقاضا کرده که برای ارزیابی اجرای ادعائی قراردادها توسط خواهان، به ویژه ارزیابی میزان کاری که انجام شده و تعیین مطابقت کار با الزامات قراردادی، کارشناسی نصب نماید. خواننده در جلسه استماع، درخواست خود را تجدید کرد. خواهان با این درخواست مخالف است.

۱۰ - دیوان معتقد است که در پرونده حاضر می تواند بر اساس مدارک تسلیمی، کار انجام شده توسط خواهان را ارزیابی کند و نیازی به نصب کارشناس نیست.

دوم - واقعیات و اظهارت

۱۱ - همانطور که اشاره شد، قراردادهای موضوع این پرونده، جزئی از پروژه "آبیکس" را تشکیل می داده است. این پروژه شامل برنامه‌ای بود که در آن، نیروی هوائی ایران در اواسط دهه ۱۹۷۰، با استفاده از یک سیستم جدید تکنولوژی پیشرفته، سیستم جاری الکترونیکی جمع‌آوری اطلاعات خود را مدرنیزه کرده، توسعه می داد. قرار بود پیمانکاران مختلف پروژه آبیکس، تجهیزات الکترونیکی ارائه داده، پرسنل را به منظور راه اندازی و نگهداری تجهیزات، آموزش دهند و تاسیسات لازم را جهت آموزش، جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل اطلاعات، احداث کرده، خدمات پشتیبانی را توسعه دهند. وقتی احداث سیستم به اتمام می رسید، اطلاعات با استفاده از هواپیما و تاسیسات ثابت زمینی در شماری از پایگاههای نظامی در نزدیکی مرزهای ایران، و وانتهای سیار، جمع‌آوری می گردید. قرار بود یک مجتمع اصلی برای استقرار کامپیوترهای تجزیه و تحلیل اطلاعات، یک موسسه دائمی آموزشی، و یک آمادگاه مرکزی لجستیکی در پایگاه هوائی دوشان تپه واقع در تهران، احداث شود و مرکز تجزیه و تحلیل، اطلاعات را بررسی نموده، گزارشهای اطلاعاتی تهیه نماید

۱۲ - ارونوترانیک، شرکتی که حسب ادعا وابسته و کاملاً متعلق به خواهان است، دو قرارداد با دولت شاهنشاهی ایران منعقد نمود، یکی قرارداد شماره ۱۲۶ که در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۷ (۲۳ آذرماه ۱۳۵۶) به امضاء رسید و دیگری قرارداد شماره ۱۳۰ که در ۱۵ ژانویه ۱۹۷۸ (۲۵ دیماه ۱۳۵۶) امضاء گردید. طبق قراردادهای یاد شده شرکت مزبور ملزم بود مراحل ابتدائی "بخش زمینی پروسه کردن و آنالیز اطلاعات" و "بخش زمینی جمع آوری اطلاعات" سیستم آیبکس را اجرا نماید.

۱۳ - در شرح کاری (Statement of Work) که تحت عنوان پیوست شماره چهار به قرارداد شماره ۱۲۶ ضمیمه شده، کارهایی که قرار بود ارونوترانیک انجام دهد، ذکر گردیده که عبارتند از: طراحی و مدیریت بخش زمینی پروسه کردن و تحلیل اطلاعات، اجرای برنامه قسمت، طبق نقشه‌ها و برنامه‌های زمانی تصویبی خریدار، تهیه سخت افزار و نرم افزار تعیین شده جهت قسمت‌ها، طبق مشخصات، طرحها و روشهای تصویبی خریدار، آزمایش و تحویل قسمت به صورتی که برای خریدار قابل قبول باشد و ارائه خدمات و مواد لازم. در شرح کاری که به عنوان پیوست چهار به قرارداد شماره ۱۳۰ ضمیمه شده، کارهای مشابهی در مورد قسمت جمع آوری اطلاعات یک به یک برشمرده شده است. بطور کلی، قرار بود مرحله طراحی تا بهار ۱۹۷۹ و مرحله تهیه تجهیزات تا پایان آن سال و نصب و آزمایش سیستم، در اوایل ۱۹۸۱ تکمیل شود. حداکثر قیمت برآوردی، -/۲۳،۶۵۵،۸۵۳ دلار برای بخش زمینی پروسه کردن و تحلیل اطلاعات (قرارداد شماره ۱۲۶) و مبلغ -/۴۸،۹۳۷،۰۰۰ دلار برای قسمت زمینی جمع آوری اطلاعات (قرارداد شماره ۱۳۰) بود.

۱۴ - خواننده طبق قرارداد شماره ۱۲۶ مبلغ -/۳،۵۴۸،۳۷۷ دلار و طبق قرارداد شماره ۱۳۰ مبلغ -/۷،۳۴۰،۵۵۰ دلار به صورت بیعانه پرداخت کرد. علاوه بر آن، تا زمان بروز مشکلات، خواننده مبلغ -/۲،۸۳۷،۷۱۰ دلار بابت صورتحسابهای تسلیمی خواهان در مورد قرارداد شماره ۱۲۶، و مبلغ -/۲،۹۳۰،۵۰۴ دلار بابت قرارداد

شماره ۱۳۰ پرداخت کرد. تردیدی نیست که خواهان، بدینترتیب، در واقع مبلغ ۱۶،۶۵۷،۱۴۱ دلار بابت قراردادهای خوانده دریافت کرده است.

۱۵ - خواهان اظهار می دارد که وی تعهدات قراردادی خود را به طور کامل انجام داد، تا اینکه در ماه فوریه ۱۹۷۹ به علت قصور ایران در ارائه دستورالعمل ها و یا راهنمایی های لازم برای اجرای قراردادهای، و نیز به دلیل لغو جلسات مهم، بناچار از میزان کارها کاسته شد. خواهان همچنین اظهار می دارد که ایران با امتناع از پرداخت صورتحسابهای ارسالی بابت کارهای انجام شده از اکتبر ۱۹۷۸ تا پایان فوریه ۱۹۷۹ و همچنین صورتحساب کارهایی که بعد از آن مدت انجام شد و نیز با عدم تعیین جانشین مدیر برنامه ای که بعد از ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ (۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷) دیگر در دسترس نبود و با قصور در تامین موادی که خریدار طبق قرارداد باید تهیه می کرد، و بالاخره با امتناع از تمدید اعتبار اسنادی که پرداخت صورتحسابهای خواهان را تضمین می نمود، قراردادهای را نقض کرده است.

۱۶ - خواهان طی تلکس و نامه مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۷۹ (۲ اسفندماه ۱۳۵۷) خود، به خواننده اخطار داد که «تا آرامیهای داخلی اخیر ایران، که همچنان ادامه دارد، اوضاعی را به وجود آورده که در حکم فورس مازور است و چنانچه ادامه یابد، اجرای قرارداد را غیرممکن خواهد ساخت». خواهان همچنین اعلام کرد که تا وصول دستور بعدی از ایران، در نظر دارد فعلاً «حجم کار خود را تا عادی شدن اوضاع در ایران، محدود نماید و همچنین اعلام کرد که آماده مشاوره و تبادل نظر در مورد نحوه برخورد با وقایع می باشد.

۱۷ - خواهان ادعا می کند که پروژه را بلافاصله خاتمه یافته تلقی نکرد و قصد داشت با خودداری از شروع کارهای جدید، هزینه ها را به حداقل ممکن کاهش دهد، لکن کارهای در دست اقدام را تا جایی تکمیل نماید که از سرگرفتن آن، هرگاه که ایران تصمیم

می‌گرفت، میسر باشد.

۱۸ - در ۲۴ آوریل ۱۹۷۹ (۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) خواهان یک گزارش اجمالی درباره وضع قراردادها به نماینده خوانده در واشنگتن تسلیم نمود. در این گزارش، خواهان اعلام داشت که باید قبل از اواسط مه ۱۹۷۹، راجع به فسخ یا ادامه قراردادها تصمیم گرفته شود.

۱۹ - خواهان طی نامه مورخ ۱۸ مه ۱۹۷۹ (۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸)، به خوانده اعلام کرد که علی‌رغم نامه مورخ ۲۱ فوریه خویش، هیچ دستوری درباره ادامه پروژه دریافت نکرده و همچنین متذکر شد تجهیزاتی که خریدار باید تهیه کند و برای انجام کار ضروری است، تحویل نگردیده و صورتحسابهای ماه اکتبر ۱۹۷۸ و ماههای بعد پرداخت نشده و خوانده اعتبار اسنادی را که خواهان به موجب آن بتواند پول دریافت کند، تجدید نکرده است. در نتیجه، خواهان به ایران اطلاع داد که تا وصول دستورهای بعدی، کاهش بیشتر برنامه، ضروری است.

۲۰ - خواهان ادعا می‌کند که چون پاسخی از طرف ایران دریافت نکرد، در مه ۱۹۷۹ جهت فسخ قرارداد با پیمانکاران جزء، یا به اتمام رساندن کار آنها و تقلیل هرچه بیشتر هزینه‌های دیگر، اقداماتی بعمل آورد.

۲۱ - خوانده طی نامه مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲۵ تیرماه ۱۳۵۸)، به ارونوترانیک اعلام کرد که از ۱۰ فوریه ۱۹۷۹ (۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷) "کلیه کارها و هزینه‌های موضوع قراردادهای شماره ۱۲۶ و ۱۳۰ به علت تحولات اخیر ناشی از انقلاب اسلامی ایران متوقف [شده]، محسوب گردیده است". در نامه مزبور از ارونوترانیک درخواست شد که برای "مذاکره درباره قرارداد" نمایندگانی به تهران اعزام دارد.

۲۲ - در ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹ (۲۷ شهریورماه ۱۳۵۸) ملاقاتی بین طرفین صورت گرفت. خواهان اظهار می دارد که ایران در این ملاقات اظهار کرد که قراردادها با دولت سابق که از ۱۰ فوریه ۱۹۷۹ (۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷) ببعد، دیگر وجود نداشته، منعقد گردیده و بنابراین تنها صورتحساب کارهایی که قبل از آن تاریخ انجام شده، به شرط تأیید ایران، پرداخت خواهد شد. خوانده از خواهان «گزارشهای وضعیت نهائی» پروژه را خواستار شد که خواهان در ۱۸ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۶ مهرماه ۱۳۵۸) آنها را تسلیم نمود، ولی خوانده پاسخی به آنها نداد.

۲۳ - خواهان اظهار می دارد که گرچه خوانده نمی پذیرد که قراردادها را «فسخ» کرده، ولی در واقع آنها را رد و عملاً لغو نموده است. خواهان پس از دادن اخطار به ایران، مابقی قراردادهای فرعی را فسخ و به منظور کاهش خسارت، شروع به فروش تجهیزات کرد که برای پروژه تحصیل نموده بود. آخرین صورتحساب تسلیمی بابت سپتامبر ۱۹۷۹ بود.

۲۴ - خواهان اظهار می دارد که در مارس ۱۹۸۰، ایران من غیر حق، وجه اعتبارات اسنادی را که خواهان طبق قراردادهای، برای تضمین اجرا و ضمانت نامه های پیش پرداخت تامین نموده بود، مطالبه کرد.

۲۵ - تا تاریخ جلسه استماع، جمع خواسته نقدی طبق دادخواست اصلاحی، مبلغ -/۱۰۵،۸۷۷،۱۷ دلار بود. در جلسه استماع، خواهان بخشی از ادعای اصلی خود را بابت هزینه های حقوقی، مسترد داشت و اکنون فقط هزینه های داوری حاضر را مطالبه می کند. بدین ترتیب، خواهان بر مبنای ادعائی که قبل از استماع آنها اصلاح کرده و در جلسه استماع نیز آنها تغییر داده، اینک جمعا مبلغ -/۱۷،۲۳۶،۵۸۱/۰۷ دلار مطالبه می کند که این رقم شامل -/۷،۶۸۱،۸۷۰ دلار بابت صورتحسابهای ارسالی و پرداخت نشده، و مبلغ -/۱،۲۸۲،۰۰۱ دلار بابت مبالغی که از صورتحسابهای تسلیمی کسر

شده، و مبلغ -/۴۱۴،۴۹۱ دلار بابت هزینه های متحمل و سود آنها از اکتبر ۱۹۷۹ تا پایان اوت ۱۹۸۱، و مبلغ ۰/۷،۸۰۵،۳۰۷ دلار بابت هزینه های متحمل بعد از اوت ۱۹۸۱ و مبلغ -/۷۲۶،۴۱۱،۲ دلار بابت هزینه های بالاسری مستهلک نشده و مبلغ ۵،۰۶۱،۷۶۵ دلار بابت عدم النفع می باشد. علاوه بر آن خواهان بهره و هزینه های داوری را نیز مطالبه می کند.

۲۶ - خواهان به عنوان خواسته دیگر، متقاضی آزاد شدن و ابطال ضمانت نامه های بانکی و اعتبارات اسنادی اتکائی مربوط است که وی طبق قراردادها به عنوان ضمانت نامه های حسن انجام کار و بابت تضمین پیش پرداختهای خواننده، ارائه کرده بود.

۲۷ - بالاخره، در اصلاحیه دادخواستی که دیوان طی دستور مورخ ۲ فوریه ۱۹۸۴ (۱۳ بهمن ماه ۱۳۶۲) آنرا پذیرفت، خواهان تقاضا دارد دیوان اعلام نماید که ایران باید دیون مالیاتی و جرایم مربوطه را که در رابطه با قراردادها از وی مطالبه شده، تادیه نماید و خواهان از چنین مسئولیتی مبری باشد.

۲۸ - خواننده سه ایراد به صلاحیت دیوان نسبت به ادعای حاضر، مطرح می نماید. خواننده استدلال می کند که طبق مفاد قراردادها درباره حل و فصل اختلافات طرفین، این ادعا منحصرًا در صلاحیت دادگاه های ایران بوده، و در نتیجه از حیطه صلاحیت دیوان خارج است. خواننده مضافًا اظهار می دارد که خواهان دلیل کافی برای اثبات تابعیت امریکائی خود ارائه نداده است. و بالاخره، خواننده به اهلیت فورد ارو اسپیس ایراد می گیرد و مدارک مالکیت ادعای خواهان را مطالبه می کند. خواهان هر سه ایراد را رد می نماید.

۲۹ - در مورد ماهیت ادعا، خواننده منکر است که قراردادها را نقض یا فسخ کرده است. بالعکس، وی اظهار می دارد که همیشه انتظار داشته که خواهان تعهدات خود را کاملاً

ایفاء نماید. خواننده همچنین ادعا می کند که چون خواهان نتوانسته بود پروانه صادرات مقرر در قرارداد را تحصیل نماید، لذا در اجرای قراردادها قصور و آنها را فسخ نمود.

۳۰ - به علاوه، خواننده اظهار می دارد که خواهان، با عدم تحویل اطلاعات فنی تعیین شده در قراردادها، و تاخیر در تحویل بعضی اقلام، و عدم ایفای تعهد خود در تاسیس دفتری در تهران و تعیین یک مدیر برنامه در محل، و امتناع از اجازه دسترسی به اسناد و پرونده‌های موجود در ایالات متحده که برای ارزیابی کارهای انجام شده ادعائی ضروری بود، قراردادها را نقض کرده است. خواهان کلیه این اظهارات را انکار می‌کند.

۳۱ - خواننده ادعای متقابلی جمعا" به مبلغ -/۱۴۱،۶۵۷،۱۶ دلار بابت مانده پیش پرداختها و صورتحسابهای پرداختی به خواهان و بهره متعلقه تا پایان سال ۱۹۸۰ به مبلغ ۷،۸۰۴،۱۶۲/۵۹ دلار، به علاوه بهره متعلقه تا تاریخ اجرای حکم، مطرح کرده است.

۳۲ - مضافاً، خواننده خساراتی مطالبه می کند که حسب ادعاء در نتیجه نقض قرارداد توسط خواهان، متحمل شده و تعیین میزان آنرا به کارشناس واگذار می کند.

۳۳ - در الحاقیه دادخواست متقابلی که طی دستور مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۸۶ (۲۱ فروردین ماه ۱۳۶۵) دیوان پذیرفته شده، وزارت دفاع همچنین مبلغ -/۱۵۴،۹۹۴،۱۷۵ ریال که حسب ادعا خواهان بابت مالیات به وزارت امور اقتصادی و دارائی بدهکار است، مطالبه می‌کند. خواهان این ادعا را انکار و استدلال می کند که طبق قراردادها، خواننده مسئول پرداخت مالیاتهای موضوعه دولت ایران است.

۳۴ - خواننده همچنین تقاضا می کند که دیوان به خواهان دستور دهد وسایل و ماشین‌آلات الکترونیکی تهیه شده توسط خریدار را که حسب ادعا متعلق به ایران است و

در ایالات متحده انبار شده، به وی تحویل دهد.

۳۵ - و بالاخره، خواننده تقاضا دارد "هزینه دادرسی و حق الوکاله طبق ماده ۳۸ قواعد دیوان"، به وی بازپرداخت شود.

سوم - دلایل صدور قرار

۱- صلاحیت

(الف) قید انتخاب مرجع رسیدگی

۳۶ - ماده ۱۰ هر دو قرارداد شماره ۱۲۶ و ۱۳۰، حاوی قید زیر درباره حل اختلاف می باشد:

"حل اختلافات

کلیه منازعات و اختلافاتی که ممکن است در نتیجه تعبیر و تفسیر مواد قرارداد و یا پیوسته‌های مربوطه یا انجام کارها به وجود آید که نتوان آنها را به طور دوستانه حل و فصل نمود، باید طبق مقررات و قوانین ایران، از طریق مراجعه به دادگاه‌های صالحه ایران، حل و فصل گردد."

۳۷ - خواننده استدلال می کند که این ماده صلاحیت انحصاری رسیدگی به کلیه اختلافات موضوع قرارداد را به دادگاه‌های ایران اعطا کرده، به نحوی که به موجب بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، از دیوان سلب صلاحیت می شود. لیکن نحوه انشاء این قید، از کلیه جنبه‌های مهم، شبیه قیدی است که دیوان عمومی در قرار اعدادی شماره - ۱۵۹-۶ خود (مورخ ۵ نوامبر ۱۹۸۲ / ۱۴ آبان ماه ۱۳۶۱) صادره در پرونده فورد آرو اسپیس کامیونیکیشنز کوریوریشن و سایرین و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و

سایرین مورد بررسی قرار داده است. در آن قرار اعدادی، دیوان مقرر داشت که محدودیت صریح قید به اختلافات ناشی از تفسیر قرارداد و اجرای کارها، قید یاد شده را از محدوده استثناء خارج می سازد. دیوان همین نتیجه‌گیری را پس از بررسی قیود عملاً مشابهی راجع به حل اختلاف، در احکام صادره در پرونده سیلووانیا (صفحات ۱۱ تا ۱۳)، پرونده کوئستک (صفحات ۱۱ تا ۱۳) و پرونده توش راس (صفحات ۷ و ۸ و ۱۲)، که در بالا بدانها اشاره شد، مجدداً مورد تأیید قرار داده است.

۳۸ - این شعبه دلیلی نمی بیند که قید انتخاب مرجع رسیدگی در این پرونده را بنحوی متفاوت از تفسیری که دیوان عمومی در قرار اعدادی شماره ۶-۱۵۹ خود ارائه داده، تفسیر نماید. در آن قرار نیز مانند مورد حاضر، «جنبه های مهمی از قرارداد... خارج از حیطه صلاحیت دادگاه‌های منتخب قرارداد شده است» و «این محدودیت صلاحیت، [قید انتخاب مرجع رسیدگی] را از شمول این الزام که دادگاه‌های ایرانی باید صلاحیت انحصاری رسیدگی به اختلافات ناشی از قرارداد را داشته باشند، خارج می نماید».

(ب) تابعیت آمریکائی خواهان

۳۹ - بر مبنای مدارک تسلیمی خواهان، که شرایط مقرر در دستور مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۲ (۲۹ آذرماه ۱۳۶۱) دیوان را در پرونده شماره ۳۶، فلکسی - وان لیسینگ اینکوریپتد و جمهوری اسلامی ایران (منتشره در 455 Iran-U.S. C.T.R. 1) و نیز شرایط مقرر در دستور مورخ ۱۸ ژانویه ۱۹۸۳ (۲۸ دیماه ۱۳۶۱) را در پرونده شماره ۹۴، جنرال موتورز کوریوریشن و سایرین و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، (منتشره در 1 Iran-U.S. C.T.R. 3) ، در مورد اثبات تابعیت شرکتها احراز می کند، دیوان متقاعد شده است که خواهان، طبق مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، تبعه ایالات متحده می باشد. تطبیق شود با حکم شماره ۳-۱۵۹-۲۳۶ (۱۷ ژوئن ۱۹۸۶ / ۲۷ خردادماه ۱۳۶۵) صادره در پرونده فورد ارو اسپیس اند کامیونیکیشنز کوریوریشن و

سایرین به طرفیت نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و سایرین .

(ج) اهلیت خواهان

۴۰ - خواننده بااستناد به اینکه خواهان هنوز اثبات نکرده که حقوق و تعهدات ارونوترانیک، به موجب قراردادهای شماره ۱۲۶ و ۱۳۰ به فورد ارو اسپیس واگذار شد، به اهلیت خواهان برای اقامه دعوا ایراد دارد.

۴۱ - بر مبنای رونوشت انتقالنامه مورخ ۴ اوت ۱۹۷۸ (۱۳ مردادماه ۱۳۵۷) امضاء شده توسط ارونوترانیک، فورد ارو اسپیس و سازمان مخابرات و الکترونیک دولت ایران که خواهان تسلیم نموده، دیوان متقاعد شده است که فورد ارو اسپیس مالک ادعا می باشد.

۲ - ماهیت دعوی

۴۲ - در این بخش از حکم، دیوان ابتدا به ادعاهای طرفین درباره اجرای قراردادهای قبل و بعد از ۱۵ فوریه ۱۹۷۹ (۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۷)، یعنی تاریخی که از میزان کار کاسته شد، می پردازد و سپس استدلالات طرفین را درباره آنکه چه عواملی موجب ختم قراردادهای شده، مورد بررسی قرارداده، پی آمدهای حقوقی فسخ قرارداد را در آن شرایط خاص، در نظر می گیرد و سر انجام به ادعاهای متقابل خواننده رسیدگی می کند.

(الف) اجرای قراردادها

۴۳ - یک ادعای اساسی خواننده اینست که خواهان با قصور در تامین خدمات و موادو مصالح لازم، قراردادهای را نقض کرده است. دیوان نمی تواند دلایلی در تأیید این ادعا بیابد، بلکه برعکس معتقد است که خواهان عملاً تعهدات قراردادی خود را در حدود

معقولی که در شرایط خاص این پرونده قابل انتظار بوده، تا موقعی که خوانده آخرا لمر قرارداده را فسخ کرد، ایفاء نموده است.

۴۴ - مدارکی که اثبات می کند خواهان عملاً "تعهدات خود را ایفاء کرده، عبارتند از: خلاصه و شرح ارقام تحویلی مندرج در پیوستهای تسلیمی خواهان و همچنین گزارشهای وضعیت نهائی که خواهان در اکتبر ۱۹۷۹ به خوانده تسلیم نموده و حاوی فهرست کلیه ارقام تحویلی و تاریخ تسلیم گزارشهای ماهانه پیشرفت کار. خواهان در تأیید این مدارک، اسناد حجیمی به دفتر دیوان تسلیم نموده که شامل رسیدهایی است که خواهان از بیک مخصوص خوانده دریافت کرده و همچنین خلاصه مدارکی که نشان می دهد کدام ارقام تحویل شده و چه موقع تحویل شده و آیا رسیدی بابت آنها اخذ شده یا خیر.

۴۵ - در مورد دوره بعد از ۱۵ فوریه ۱۹۷۹ (۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۷)، دیوان معتقد است که خواهان به دلایل مختلف حق داشت که میزان کار خود را کاهش دهد. اولاً، صورتحسابهای مربوط به کارهای انجام شده در دوره اکتبر ۱۹۷۸ تا فوریه ۱۹۷۹ پرداخت نشده بود و این امر بخودی خود، کاستن میزان کارها را توسط خواهان توجیه می کند، حتی اگر قصور خوانده در پرداخت وجه بدلیل فورس ماژور معذور بوده باشد. ثانیاً، همکاری بین طرفین که برای اجرای کامل قراردادها ضروری بود، متوقف و ملاقات ها لغو شده بود. دستورهای لازمی که خوانده باید می داد، واصل نمی شد و ارتباطی بین طرفین برقرار نبود. در آن مرحله، کار طراحی هر دو قرارداد تقریباً تکمیل شده بود و کار خواهان وارد مرحله "بررسی انتقادی طرح" می شد که قرار بود در فوریه ۱۹۷۹ انجام گردد. در این مرحله، قرار بود کلیه کارهای تکمیل شده طراحی، توسط ایران و سایر پیمانکاران آیکس، به منظور تصویب نهائی قبل از ادامه کار، کاملاً بررسی شود. ثالثاً، تحت این شرایط، شاید خواهان از جهت کاهش خسارات، حتی وظیفه داشت میزان کار را تقلیل دهد.

۴۶ - خواننده ادعا می کند که فسخ قراردادهای فرعی به منزله تخلف از ماده ۳-۱۱ هریک از قراردادها بود که به موجب آنها، هرگونه تغییری در قراردادهای فرعی، مستلزم تصویب قبلی خواننده بوده است. دیوان معتقد است که خواهان حق داشت قراردادهای فرعی را فسخ کند و قصور وی در کسب موافقت خواننده، حداقل به دلیل فورس ماژور، موجه بوده است. مضافاً، کار پیمانکاران فرعی، جزئی از کار خود خواهان را تشکیل می داده و اقدام وی در مورد فسخ قرارداد با پیمانکاران، باید با توجه به عواملی که قبلاً در مورد کاهش میزان کار خواهان و به ویژه، عدم دریافت دستورالعمل از خواننده و قصور خواننده در پرداخت صورتحسابهای معوقه مورد بررسی واقع شد، ارزیابی گردد. خواهان ابتدا به استناد ماده‌ای که به وی اجازه می داد تا سه ماه کار را تعطیل کند، تعدادی از قراردادهای فرعی را به حالت تعلیق درآورد، و پس از آنکه پاسخی به درخواست صدور دستور ازناحیه خواننده دریافت نکرد، قراردادها را فسخ نمود که بدینترتیب، اقدام وی معقول بوده است. در واقع، اگر خواهان تصمیم به عدم ادامه قراردادها می داشت، احتمالاً حتی مجبور می بود میزان کار پیمانکاران جزء را هرچه بیشتر کاهش دهد، تا بدانوسیله از میزان خسارات خواننده بکاهد.

۴۷ - دیوان مضافاً از مدارک موجود یقین حاصل کرده که نه تنها خواهان تعهدات قراردادی خود را ایفاء نموده، بلکه طرز کار وی رضایتبخش نیز بوده است. دیوان ملاحظه می کند که خواننده قبل از ثبت دفاعیه خود در پرونده حاضر، هیچگاه درباره موارد تخلفی که اینک ادعا می کند، به خواهان اخطار نداده و در مورد نحوه انجام کار توسط خواهان نیز در جریان اجرای قرارداد، شکایتی ننموده است. خواننده همچنین اخطار و فرصتی برای رفع نقایص موضوع ماده ۱-۸ قراردادهای داده‌است. طبق ماده مزبور، خواننده ملزم بوده در صورتیکه خواهان "هریک از وظایف و تعهدات خود را طبق قرارداد بطور صحیح انجام نمی داد"، به خواهان اخطار و فرصت دهد. حتی در نامه‌ای که سازمان مخابرات و الکترونیک خواننده در ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲۷ تیرماه ۱۳۵۸) به خواهان ارسال و طی آن اعلام داشت که اجرای قرارداد به دلیل تحولات اخیر ناشی از

انقلاب اسلامی ایران متوقف شده تلقی می‌گردد، ذکری از هیچگونه نقض ادعائی قرارداد از ناحیه خواهان نشده است. طبق روش مندرج در پیوست یک قراردادها، ایراد به صورتحسابها می بایست ظرف چهار هفته مطرح شود. ولواینکه روش مزبور بعد از توقف همکاری طرفین در نتیجه انقلاب، دیگر قابل اعمال نمی‌بود، بازهم هر ایرادی به کار خواهان می بایست ظرف مدت معقولی که در مورد حاضر، در پایان دسامبر خاتمه یافت، به خواهان اطلاع داده می شد.

(ب) فسخ قراردادها

۴۸ - موضوع اساسی در پرونده حاضر چگونگی ختم قراردادهاست. طرفین قبول دارند که هیچیک از آنها طبق ماده ۵ - ۸ قراردادها، به استناد فورس ماژور، قراردادها را فسخ نکرده‌اند. سوای این نکته، طرفین در موارد دیگر با یکدیگر اختلاف نظر دارند.

۴۹ - خواهان اظهار می دارد که مانند سایر پرونده های آیبکس، ایران در پرونده حاضر نیز قراردادها را تعمداً "براساس سیاست" عدم ادامه قراردادها با پیمانکاران امریکائی در پروژه‌ای که به عملیات اطلاعاتی سری نظامی ارتباط داشت، فسخ کرده و گویای این واقعیت، نامه متحدالشکل مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲۵ تیرماه ۱۳۵۸) است که خوانده برای کلیه پیمانکاران آیبکس فرستاده است. منظور از آن نامه اعلام این مطلب بود که "اجرای کلیه کارها و پرداخت هزینه‌های موضوع قراردادها... به دلیل تحولات اخیر ناشی از انقلاب اسلامی ایران متوقف محسوب گردیده است". خواهان ادعای خود را بنحو دیگری نیز مطرح کرده، می گوید که وی قراردادها را یا به علت عدم پرداخت وجه توسط ایران، و یا بدلیل اینکه ایران در جلسه ملاقات ماه سپتامبر در تهران، قراردادها را رد کرد، فسخ نموده است. خواهان اظهار می دارد که در هر حال، ایران طبق ماده ۸-۱ قراردادها، و به دلیل تخلف از ناحیه خواهان، اقدام به فسخ قرارداد نکرده است.

۵۰ - خواننده ادعا می کند که قراردادها به این علت خاتمه یافت که خواهان قبل از نامه مورخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۷۹ (۱۹ تیرماه ۱۳۵۸)، آنها را نقض کرده بود و اظهار می دارد که این نامه صرفاً دعوت به مذاکره بود و در پاسخ به درخواستی که خواهان طی نامه‌های قبلی خود، ضمن اشاره به فورس ماژور، مطرح کرده بود، ارسال گردید و ثانیاً دلیل ارسال نامه، کاهش کار توسط خواهان بود.

۵۱ - دیوان ملاحظه می کند که نامه مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲۵ تیرماه ۱۳۵۸) عملاً شبیه نامه‌هایی است که ایران در همان تاریخ برای سایر پیمانکاران آیکس در پرونده‌های دیگر ارسال داشته است. مسائلی که ایران با فرد پیمانکاران خود داشت، با یکدیگر مرتبط و بنابراین مستلزم یک راه حل مشترک بود. بنابراین، به مکاتبات قبلی هریک از پیمانکاران آیکس با ایران درباره پروژه، بطور مشخص پاسخ داده نشد و یا اشاره‌ای به هر نحو، در نامه ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲۵ تیرماه ۱۳۵۸) به آنها به عمل نیامد. این امر در مورد پرونده‌های سیلوانیا و کوئستک که در بالا بدانها اشاره شد، بوضوح روشن است. به همین نحو، در پرونده حاضر نیز، نامه ژوئیه ۱۹۷۹ اشاره‌ای به رفتار فورد ارو اسپیس و یا تلکسها و نامه‌های قبلی وی به خواننده، نکرده است. در عوض، نامه مزبور صرفاً مبین روش کلی ایران در قبال پروژه آیکس بود.

۵۲ - خواننده به‌ویژه تأکید می کند که قصور خواهان در اخذ پروانه صادرات که طبق قراردادها الزامی بود، علت واقعی عدم اجرا و نهایتاً ترک قراردادها توسط خواهان بود. دیوان معتقد است که فقد پروانه صادرات در سال ۱۹۷۹، تاثیری در فسخ قراردادها نداشته است. خواهان طبق ماده ۹-۸ هریک از قراردادها ملزم بوده ظرف ۱۲۰ روز بعد از امضاء قراردادها پروانه صادرات اخذ نماید و چنین تعهدی را وی ایفاء کرده است. این واقعیت که پروانه صادرات مزبور منقضی گردیده، مانع کار خواهان که در ایالات متحده صورت می گرفت، نبود، زیرا قبل از خاتمه قراردادها در سال ۱۹۷۹، خواهان تعهدی برای تحویل کار نداشت. انگیزه ارسال نامه مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲۵

تیرماه ۱۳۵۸) فقدان یک پروانه صادرات معتبر نبوده و حتی ذکری از آن، در نامه یادشده بعمل نیامده است. ضمناً موضوع پروانه صادرات، نقش مهمی در مذاکرات فیما بین طرفین در جلسه سپتامبر ۱۹۷۹ در تهران نداشت، زیرا این امر تنها یکی از چند موضوعی بود که خواهان تعهد کرد در آینده راجع به آن اقدام کند و هیچیک از طرفین به عنوان دلیل عدم ادامه قراردادهای بدان استناد نکرد. آن مذاکرات هرگز به مرحله‌ای نرسید که موضوع پروانه صادرات اهمیت حیاتی پیدا کند.

۵۳ - بالعکس، دیوان نتیجه می‌گیرد که ایران، با ارسال نامه مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲۵ تیرماه ۱۳۵۸) خود، در زمانی که هیچیک از طرفین قراردادهای را نقض نکرده بود، تصمیم گرفت به قراردادهای خاتمه دهد و این اقدام به فسخ را در جلسه ملاقات سپتامبر ۱۹۷۹، با مطالبه گزارشهای نهائی وضعیت و عدم پاسخ به اخطار خواهان مبنی بر اینکه وی ناچار است مابقی قراردادهای فرعی را فسخ کرده و وسایل را بفروشد، مگر آنکه دستوری خلاف آن دریافت کند، مورد تأیید قرار داد.

۵۴ - در میان کلیه مقررات ناظر بر فسخ قراردادهای ماده ۲-۴ که برای خواننده این حق را قایل شده که قرارداد را به صلاحدید خود فسخ کند، به آنچه که در این پرونده روی داده، نزدیک تر است. آن ماده چنین است:

"خریدار حق دارد هر موقعی که مایل باشد این قرارداد را بعضاً یا کلاً، به صلاحدید خود و با یک اخطار قبلی ۳۰ روزه، فسخ نماید"

علاوه بر آن ماده ۳-۴ هر دو قرارداد شرط می‌کنند که تصمیم خریدار

"قطعی بوده و احتیاج به ذکر دلیل و بحث و مذاکره ندارد."

ماده ۳ - ۸ قراردادهای منجمه پی آمدهای حقوقی فسخ به صلاحدید خریدار را مقرر می‌دارد:

"در صورتی که خریدار به هر دلیلی که مربوط به قصور فروشنده نباشد، تصمیم به فسخ تمام یا قسمتی از قرارداد بگیرد، یا حدود الزامات مندرج در ماده ۱-۴ را کاهش دهد، از تاریخ رسمی فسخ قرارداد یا کاهش احتیاجات، مسئولیت پرداخت قیمت کلیه تجهیزات و وسایل حمل شده و کارهای انجام شده برای خریدار را، برعهده خواهد گرفت."

۵۵ - تشخیص دیوان اینست که این ماده در درجه اول برای فسخ در شرایط دیگر، پیش بینی شده بود، و ضمناً خوانده اخطاری را که طبق این ماده لازم بوده، نداده است. با اینحال، دیوان نتیجه می‌گیرد که این ماده مبین قصد متقابل طرفین درباره فرمولی است که باید برای تعیین مبلغ غرامت قابل پرداخت در صورت تصمیم خوانده به فسخ قرارداد به صلاحدید خود اعمال شود. بنابراین، این مقررات قیاساً در مورد پرونده حاضر اعمال می‌شود.

(ج) شمول مقررات قراردادی حاکم بر فسخ به صلاحدید خوانده،

بر پرونده حاضر

الف الف (صورتحسابهای تادیه نشده

۵۶ - خواهان پرداخت دوازده فقره، صورتحساب را بابت هر قرارداد، جمعا" به مبلغ ۷،۶۸۱،۸۷۰/- دلار، شامل ۶۸۷،۷۶۱/- دلار بابت قرارداد شماره ۱۲۶ و مبلغ ۶،۹۹۴،۱۰۹/- دلار بابت قرارداد شماره ۱۳۰ که حسب ادعا طلبکار است، مطالبه می‌کند. مبالغ مورد ادعا شامل هزینه‌های متحمل بابت مواد و مصالح تحویلی و خدمات انجام شده در مدت اکتبر ۱۹۷۸ تا پایان سپتامبر ۱۹۷۹ و همچنین ۱۵% درصد سود این هزینه‌ها طبق قرارداد شماره ۱۲۶ و ۱۲% طبق قرارداد شماره ۱۳۰، می‌باشد.

۵۷ - خواهان در محاسبه خواسته خود، مبلغ /- ۳،۵۴۸،۳۷۷ دلار پیش پرداخت خوانده بابت قرارداد شماره ۱۲۶ و مبلغ /- ۷،۳۴۰،۵۵۰ دلار پیش‌پرداخت بابت قرارداد شماره ۱۳۰ را که قرار بود به میزان ۱۵٪ از قیمت صورتحسابهای ماهانه ارسالی برای ایران مستهلک شود، منظور نموده است. از مبالغی که بدینترتیب خواهان بابت صورتحسابهای تادیه نشده، خود را طلبکار می داند، یعنی مبلغ /- ۳،۱۱۹،۲۱۵ دلار بابت قرارداد شماره ۱۲۶ و مبلغ /- ۱۱،۶۰۸،۵۸۱ دلار بابت قرارداد شماره ۱۳۰، خواهان مابقی پیش پرداختهای مستهلک نشده را، یعنی مبلغ /- ۲،۴۳۱،۴۵۴ دلار بابت قرارداد شماره ۱۲۶ و مبلغ /- ۴،۶۱۴،۴۷۲ دلار بابت قرارداد شماره ۱۳۰، کسر نمود و به مبالغ مورد ادعا رسیده است.

۵۸ - طبق ماده ۳ - ۸ قراردادهای خوانده باید "قیمت کلیه تجهیزات و وسایل حمل شده و کارهای انجام شده برای خریدار" را بپردازد. در اعمال این مقررات نسبت به ادعای صورتحسابها، دیوان متذکر می شود این مطلب که در پرونده حاضر، هیچ وسایل و تجهیزاتی به ایران حمل نشده، موثر در مقام نیست. اولاً "نحوه انشاء ماده ۳-۸ به روشنی بدین مفهوم است که صرفنظر از اینکه وسایل و تجهیزاتی حمل شده یا نشده باشد، قیمت کارهایی که برای خریدار انجام شده، باید پرداخت گردد. ثانیاً، طبق قراردادهای خواهان تعهدی نداشته که در سال ۱۹۷۹ چیزی به ایران تحویل دهد. موقعی که خوانده قراردادهای را فسخ کرد، کار خواهان در مرحله "بررسی انتقادی طرح" بود و همانطور که در بالا اشاره شد، دلیل عدم اجرای این مرحله، حداقل تا حدودی این بود که خوانده برای پروژه آیبکس مدیر برنامه‌ای تعیین نکرد. خواهان فقط متعهد بود وسایل تکمیل شده را حمل کند و قراردادهای هرگز به آن مرحله نرسید.

۵۹ - در مورد صورتحسابها، دیوان معتقد است که تنها سؤال اینست که آیا کار موضوع صورتحسابها عملاً انجام شده، یا نه، و اگر انجام شده، به قیمت قراردادی انجام شده یا خیر. خواننده ایراد گرفته که وجه صورتحسابها نباید پرداخت شود، زیرا صورتحسابها

طبق رویه مورد توافق طرفین راجع به گواهی صورتحسابها و اقدام در مورد آنها، تهیه نشده بودند. طبق آن رویه، توش راس اند کامپنی، پیمانکار مشاور حسابرسی خوانده، ملزم بود صورتحسابهای تسلیمی را بررسی و پرداخت آنها را توصیه کند. تنها صورتحساب اکتبر ۱۹۷۸ توسط توش راس بررسی و برای پرداخت توصیه شده بود، در حالی که صورتحسابهای نوامبر و دسامبر ۱۹۷۸ را توش راس در فوریه ۱۹۷۹، بدون توصیه پرداخت برای ایران ارسال داشته بود، زیرا گزارشهای ماهانه مقرر راجع به پیشرفت کار موجود نبود. صورتحسابهای بعدی اگر هم بررسی شد، بررسی تنها به وسیله ایران صورت گرفت.

۶۰ - مانند پرونده کوئستک ، (صفحه ۲۵ حکم مربوط)، دیوان معتقد است، در صدور حکم غرامت به دلیل فسخ قرارداد از ناحیه خوانده، لزومی ندارد که صورتحسابهای مربوط به هزینه‌های متحمل، طبق روشی که طرفین در بدو امر تعیین کرده بودند، تسلیم گردد. با توجه به اینکه روش گواهی صورتحسابها دیگر در حوالی دوران انقلاب عملی نبود، دیوان نتیجه می‌گیرد که کافی است خواهان اینگونه هزینه‌ها را در حد معقول اثبات و دیوان را متقاعد کند که هزینه‌های مزبور را برای اجرای قرارداد متحمل شده است. اگر خلاف این، نتیجه‌گیری شود، موجب انتفاء غرامت خواهد شد، بدون آنکه قصوری از ناحیه خواهان سرزده باشد.

۶۱ - مدارک موجود دیوان را متقاعد ساخته که خواهان هزینه‌های مذکور در صورتحسابها را متحمل گردیده است. اسناد موعیدی که در تهیه صورتحسابها به کار رفته، توسط حسابرس خواهان، کوپرز اند لیبراند، که یک موسسه حسابرسی عمومی و مستقل است، بررسی شده و موسسه مزبور گواهی کرده که مبلغ هزینه‌های متحمل، همانطور که خواهان ادعا می‌کند "بدرستی مبین" هزینه‌های متحمل تا پایان ۳۱ اوت ۱۹۸۱ (۹ شهریورماه ۱۳۶۰) است که هزینه‌های متحمل تا پایان سپتامبر ۱۹۷۹ (۸ مهرماه ۱۳۵۸) را نیز شامل میشود. دیوان همچنین پس از بررسی گزارشهای نهائی وضعیت و

اسناد تأییدی و صورتحسابها، متقاعد شده است که مبالغ صورتحسابها به درستی محاسبه شده و مبین کار واقعی خواهان می‌باشد. این موضوع در مورد اختلاف بین ۲۴ درصد تقلیل صورتحساب شماره ۰۰۲۱ بابت "تعدیل پیشرفت" (progress adjustment) و عدم تقلیل صورتحساب شماره ۰۰۲۲ مربوط به قرارداد شماره ۱۲۶ و همچنین اختلاف متناظر ۲۶ درصد تقلیل صورتحساب شماره ۰۰۲۴ بابت "تعدیل پیشرفت" و عدم تقلیل صورتحساب شماره ۰۰۲۵ مربوط به قرارداد شماره ۱۳۰ نیز، صادق می‌باشد. درباره این اختلاف ارقام در جلسه استماع توضیح داده شده و دیوان متقاعد گردیده که این اختلاف‌ها ناشی از مشکلات مربوط به روش گواهی صورتحسابها در آن زمان بوده است. مضافاً دیوان متذکر می‌شود که مانند پرونده سیلوانیا (صفحه ۲۵ حکم مربوط)، تخفیف‌های مربوط به "ضریب نقصان"، در رابطه با "برنامه مالی" قراردادهای محاسبه شده و ارتباطی با هزینه‌های واقعی متحمله خواهان نداشته است. در مواردی مثل مورد حاضر که هزینه‌های واقعی مورد اختلافند، این گونه تخفیف‌ها در محاسبه غرامت موضوع ماده ۸۳-۳ قراردادهای حائز اهمیت نمی‌باشد.

۶۲ - مضافاً دیوان خاطرنشان می‌نماید که تا شروع دآوری حاضر، خواننده هیچگونه اعتراض خاصی باین صورتحسابها که آنها را حداکثر در جلسه سپتامبر ۱۹۷۹ در تهران از خواهان دریافت کرده بود، بعمل نیاورد، بجز یک اظهارنظر کلی در همان جلسه، باین مضمون که بابت کارهای انجام شده بعد از ۱۰ فوریه ۱۹۷۹ (۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷) هیچ صورتحسابی مورد قبول قرار نخواهد گرفت که اظهارنظر مزبور از لحاظ رای حاضر حائز اهمیت نمی‌باشد. طبق قراردادهای خواننده ملزم بود هر ایرادی به صورتحسابهای تسلیمی را ظرف چهار هفته مطرح نماید. حتی اگر این قاعده اعتراض ظرف چهار هفته، در شرایطی که همکاری مقرر قراردادی بین طرفین قطع شده بود، دیگر قابل اعمال نمی‌بود، با اینحال دیوان معتقد است که مانده پرونده توش راس، (صفحه ۱۸ حکم مربوط)، قصور خواننده در پاسخ به صورتحسابها ظرف مدت معقول، این فرض را مطرح می‌کند که صورتحسابها مورد قبول واقع شده یا حداقل می‌بایست قبول شده باشند.

دیوان معتقد است که بعد از جلسه ملاقات سپتامبر ۱۹۷۹ که خواننده تعهد خود را برای بررسی صورتحساب کارهای انجام شده تا تاریخ انقلاب، مورد تأیید قرارداد، خواننده باید هرگونه اعتراضی که می‌داشت، ظرف مدت معقولی به خواهان اعلام می‌کرد. باتوجه به اینکه خواننده گزارشهای نهائی وضعیت را در ۱۸ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۶ مهرماه ۱۳۵۸) دریافت کرده، بنظر می‌رسد که تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۰ دیماه ۱۳۵۸) تحت این شرایط، مهلت معقولی برای بررسی صورتحساب‌ها توسط خواننده باشد. چون نه تصویب صورتحسابها و نه اعتراض بدانها به خواهان اعلام نشد، دیوان معتقد است که خواننده از اول ژانویه ۱۹۸۰ (۱۱ دیماه ۱۳۵۸) مسوول پرداخت صورتحسابها بوده است.

ب ب) مبالغ کسر شده از صورتحسابها

۶۳ - خواهان در محاسبه مبالغ مندرج در صورتحسابهای مربوط به هر دو قرارداد، ۵ درصد مقرر در قراردادها را بابت حسن انجام کار، از کل مبالغ صورتحسابها کسر کرده است. این ۵ درصد بطورعادی و بعنوان تضمینی برای خواننده کسر میشد و ارتباطی به عیب و نقص در کار خواهان نداشت. مبالغی که بدین نحو تا آخر کار کسر شد جمعا ۳۷۲،۳۰۸/- دلار بابت قرارداد شماره ۱۲۶ و مبلغ ۹۰۸،۶۹۳/- دلار بابت قرارداد شماره ۱۳۰ بود که جمع دو رقم، به ۱،۲۸۱،۰۰۱/- دلار بالغ می‌شود.

۶۴ - طبق پیوست ۱ هریک از قراردادها، مبالغ کسر شده می‌بایست پس از خاتمه مدت ضمانت و وصول آخرین گواهی پذیرش از خریدار، پرداخت می‌شد. "مدت ضمانت" برای مواد و مصالح و وسایل طبق ماده ۴۱-۲ قرارداد شماره ۱۲۶ و تنها برای وسایل، طبق ماده ۲۶-۲ قرارداد شماره ۱۳۰، دوازده ماه بود.

۶۵ - دیوان معتقد است که ۵ درصد برداشتی، قسمتی از بهای کار انجام شده است و بنابراین باید طبق ماده ۳-۸ قراردادها پرداخت گردد. ممکن است این سؤال مطرح شود

منقضی شدن ضمانت، فرا می رسید. چون آخرین روزی که خواهان طرحها و مدارک فنی، یعنی گزارش نهائی وضعیت را به خواننده تحویل داد، ۱۸ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۶ مهرماه ۱۳۵۸) بود، بنابراین تاریخ انقضای ضمانت، ۱۸ اکتبر ۱۹۸۰ (۲۶ مهرماه ۱۳۵۹) بوده است. بنابراین خواهان استحقاق دارد مبالغ کسر شده بابت هر دو قرارداد را که جمعا به ۱،۲۸۱،۰۰۱/- دلار بالغ می شود، دریافت نماید.

ج ج (هزینه های فسخ)

۶۶ - خواهان هزینه های فسخ را به سه دسته تقسیم کرده، بازپرداخت آنها را مطالبه می کند، بدین شرح: الف) هزینه هائی که "قبل از ثبت دادخواست، یعنی از اکتبر ۱۹۷۹ تا سپتامبر ۱۹۸۱" متحمل گردیده، به مبلغ ۵۴۷،۴۱۴/- دلار، ب) هزینه هائی که از اوت ۱۹۸۱ به بعد متحمل شده، به مبلغ ۳۰۷،۸۰۵/۰۷ دلار، و ج) هزینه های عمومی سرشکن نشده، به مبلغ ۲،۴۱۱،۷۲۶/- دلار.

۶۷ - دیوان ملاحظه می کند که برخلاف ماده ذریبط در قرارداد پرونده سیلوانیا (صفحات ۲۱ ببعده حکم مربوط)، در این پرونده ماده ۳-۸ قراردادهای ذکری از جبران هزینه های فسخ نمی کند. بنابراین، خواهان اصولاً "ذیحق به دریافت هزینه های ناشی از فسخ قراردادها از ناحیه خواننده نیست. لیکن، لازم است بررسی شود که آیا می توان هیچیک از هزینه های مورد ادعا تحت عنوان "هزینه های فسخ" را، به این دلیل که در واقع این هزینه ها قسمتی از "قیمت کارهای انجام شده" توسط خود خواهان یا پیمانکاران می باشد، مشمول ماده ۳-۸ هریک از قراردادهای دانست، یا خیر.

هزینه های اکتبر ۱۹۷۹ تا اوت ۱۹۸۱

۶۸ - باتوجه به اینکه خواننده به اسناد یا مبالغ مورد ادعا به عنوان هزینه های فسخ،

مشخصاً ایرادی نگرفته، دیوان پس از بررسی مطالب ثبت شده و بر اساس مدارک موجود، از جمله گزارش ارزیابی هزینه‌ها توسط کوپرز اند لیبراند، متقاعد شده است که خواهان هزینه‌هایی جمعاً به مبلغ -/۲,۷۹۴,۶۰۶ دلار، یعنی -/۳۳۷,۱۶۵ دلار بابت قرارداد ۱۲۶ و مبلغ -/۲,۴۵۷,۴۴۱ دلار بابت قرارداد ۱۳۰، در نتیجه تصفیه حساب قرارداد پیمانکاران جزء و فروش مواد و مصالح و وسایل خریداری شده برای پروژه، متحمل گردیده است. اینها هزینه‌هایی است که خواهان می‌تواند طبق ماده ۳-۸ قراردادهای بابت قیمت کار انجام شده، مطالبه کند.

۶۹ - بعلاوه، خواهان همچنین ذیحق است بابت این هزینه‌ها طبق قرارداد، سود دریافت کند، زیرا که اصطلاح "قیمت" در این مقررات، شامل هزینه و سود است. مجموع سود متعلقه به این هزینه‌ها -/۳۴۸,۵۹۴ دلار است که بر مبنای ۱۵٪ بابت قرارداد ۱۲۶ (به مبلغ -/۵۰,۴۷۳ دلار) و ۱۲٪ بابت قرارداد ۱۳۰ (به مبلغ -/۲۹۸,۱۲۱ دلار)، محاسبه شده است.

۷۰ - خواهان از جمع مبلغ -/۳,۱۴۳,۲۰۰ دلار هزینه و سود، مبلغ -/۲,۵۹۵,۷۸۶ دلاری را که از فروش اضطراری (salvage sale) وسایل و مواد و مصالح خریداری شده برای دو قرارداد عاید نموده، کسر کرده است.

۷۱ - خواننده ادعا می‌کند که خواهان با فروش تجهیزات قرارداد را نقض کرده و خواهان اظهار می‌دارد که اگر غیر از این عمل کرده بود، وسایل و تجهیزات کهنه و غیرقابل استفاده می‌شد. وی قصد خود را در مورد فروش وسایل به منظور کاهش دادن خسارات، طی نامه مورخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹ (۲۷ شهریورماه ۱۳۵۸) و نیز طی نامه مورخ ۱۰ اکتبر ۱۹۷۹ (۱۸ مهرماه ۱۳۵۸) و در گزارشهای نهائی وضعیت، به خواننده اطلاع داد، ولی اعتراضی دریافت نکرد. در فروش اضطراری وسایل، خواهان را «اسا» قسمت بزرگی از وسایل را به قیمتی برابر یا بالاتر از قیمت‌های پیشنهادی اشخاص ثالث،

خریداری کرد. این فروشها توسط کوپرز اند لیبراند حسابرسی شده و موسسه نامبرده تأیید کرده که در مورد فروشهای بالاتر از ۵۰،۰۰۰ دلار، بالاترین پیشنهاد پذیرفته شده و در مورد "انتقالهای داخلی فورد ارو اسپیس" قیمت های پیشنهادی اشخاص ثالث، کمتر یا برابر با قیمت انتقال بوده، و قیمت انتقال به نظر معقول می رسیده است.

۷۲ - دیوان براین نظر است که خواهان، پس از آنکه چند بار قصد فروش وسایل را به خواننده اعلام کرده و اعتراضی دریافت ننموده، حق داشته وسایل را به منظور کاهش خسارات، بفروشد.

۷۳ - در لایحه استماع، خواهان پس از کسر عواید حاصل از فروش اضطراری وسایل به رقم /- ۵۴۷،۴۱۴ دلار مورد مطالبه بابت هزینه های اکتبر ۱۹۷۹ تا پایان اوت ۱۹۸۱ رسیده است. از این رقم باید مبلغ /- ۵۶،۰۰۰ دلار کسر کرد، زیرا این مبلغ طبق اطلاع خواهان در جلسه استماع، مربوط به حق الوکاله ای است که خواهان در رابطه با اختلاف مربوط به اعتبارات اسنادی پرداخته و ارتباطی به قیمت کاری که طبق مدلول ماده ۳-۸ قراردادها انجام شده، ندارد.

۷۴ - بنابراین، خواهان استحقاق دارد مبلغ /- ۴۹۱،۴۱۴ دلار بابت کار انجام شده در مدت اکتبر ۱۹۷۹ تا پایان اوت ۱۹۸۱ دریافت نماید.

- هزینه های مربوط به بعد از اوت ۱۹۸۱ -

۷۵ - در بدو امر، خواهان مجموعاً مبلغ /- ۸۹۳،۳۲۹ دلار بابت هزینه های متحمل شده بعد از اوت ۱۹۸۱ مطالبه کرده بود. در این ادعاء خواهان مبلغ /- ۵۵۱،۷۰۴ دلار بابت "حق الوکاله"، /- ۲۴،۵۲۹ دلار بابت "حق الزحمه حسابرسی"، و مبلغ /- ۷۹،۵۹۶ دلار بابت "سایر هزینه ها" منظور کرده بود. در جلسه استماع، خواهان از مطالبه مبالغ

درخواستی تحت عنوان "حق الوکاله" و "حق الزحمه حسابرسی" اعراض کرد و از مبلغ درخواستی تحت عنوان "سایر هزینه‌ها"، ۹،۲۹۰/۹۳ دلار که بابت هزینه سفر و سایر هزینه‌های شهود در رابطه با داوری حاضر بوده، کاست. این ارقام به صورتی که در لایحه ثبت شده در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۸۶ (۲۹ اسفندماه ۱۳۶۴) اصلاح و با مدارک تأیید گردیده، به عنوان هزینه‌های داوری مطالبه شده است.

۷۶ - خواهان اکنون مبلغ -/۲۳۷،۵۰۰ دلار بابت هزینه‌هایی که بعد از اوت ۱۹۸۱ متحمل گردیده، در رابطه با تصفیه حساب قرارداد فرعی با آرگو سیستمز، به علاوه مبلغ ۷۰،۳۰۵/۰۷ دلار بابت "سایر هزینه‌هایی" که ریز ارقام آنها ارائه نداده، مطالبه می‌کند.

۷۷ - دیوان ادعای مبلغ -/۲۳۷،۵۰۰ دلار را می‌پذیرد، زیرا هزینه تسویه حساب با پیمانکاران جزء، قسمتی از قیمت کار انجام شده را به مفهوم ماده ۳-۸ قراردادها تشکیل می‌دهد. در مورد اصل مبلغ مورد ادعا مهم نیست که تسویه حساب با آرگو سیستمز، پیمانکار فرعی، پس از اوت ۱۹۸۱، یعنی در ۱۱ اکتبر ۱۹۸۲ (۱۹ مهرماه ۱۳۶۱) صورت گرفته است. ولی در مورد محاسبه بهره متعلقه به این مبلغ، دیوان متذکر می‌شود که در جریان عادی کار، خواننده می‌بایست این مبلغ را در تاریخی نه دیرتر از اول ژانویه ۱۹۸۳ (۱۱ دیماه ۱۳۶۱) بپردازد.

۷۸ - اما خواهان دلایلی ارائه نداده که دیوان را قانع کند که مبلغ ۷۰،۳۰۵/۰۷ دلار مورد ادعا نیز مشمول قیمت کار انجام شده طبق مقررات پیش گفته می‌باشد. بنابراین، این قسمت از ادعا مردود اعلام می‌شود.

هزینه های بالاسری

۷۹ - خواهان هزینه های بالاسری را که حسب ادعا از سال ۱۹۷۹ تا پایان سال ۱۹۸۱

متحمل شده و انتظار داشته از طریق پرداختهای قراردادی توسط ایران، آنها را جبران کند، مطالبه می نماید. جمع مبلغ سرشکن نشده هزینه های بالاسری مورد ادعا برای هر دو قرارداد، ۲،۴۱۱،۷۲۶/- دلار می باشد.

۸۰ - دیوان معتقد است که به موجب ماده ۳-۸ قراردادهای خواهان ذیحق نسبت به دریافت هزینه های بالاسری نمی باشد. اینگونه هزینه ها کلاً جزو قیمت قرارداد است و بدین ترتیب، مربوط به کارهایی بوده که در موقع فسخ قرارداد به اتمام نرسیده بود، حال آنکه ماده شماره ۳-۸ قراردادهای فقط پرداخت قیمت کارهایی را که عملاً تا موقع فسخ انجام شده باشد، مقرر می دارد. خواهان با قبول این شرط، در موقع عقد قراردادهای این ریسک را پذیرفته که چنانچه قراردادها قبل از انقضای مدت به پایان رسند، وی هزینه های بالاسری را وصول نکند. بنابراین، این قسمت از ادعا مردود شناخته می شود.

د د) عدم النفع

۸۱ - خواهان نه تنها سود هزینه های را که عملاً برای اجرای قراردادها متحمل شده، بلکه سودی را نیز که در باقیمانده عمر قراردادهای در صورت عدم فسخ آنها از ناحیه خواننده، به دست می آورد، مطالبه می کند. وی جهت محاسبه عدم النفع، ابتدا میزان سود فوراً اسپیس را که در پیوست ۵ قراردادهای صراحتاً قید شده، یعنی ۳،۰۸۵،۵۴۶/- دلار بابت قرارداد شماره ۱۲۶ و مبلغ ۵،۲۴۳،۲۵۰/- دلار بابت قرارداد شماره ۱۳۰، یعنی جمعاً ۸،۳۲۸،۷۹۶/- دلار، مبنا قرار داده و سپس سودهای منظور شده در صورت حسابهای پرداخت شده و پرداخت نشده را جمعاً به مبلغ ۲،۹۱۸،۴۳۷/- دلار بابت دو قرارداد، بعلاوه سودهای منظور شده در هزینه های فسخ متحمل ادعائی تا سپتامبر ۱۹۸۱ که جمعاً بابت هر دو قرارداد، به ۳۴۸،۵۹۴/- دلار بالغ می شود، از آن کسر می کند. بدین ترتیب، خواهان رقم ۵،۰۶۱،۷۶۵/- دلار را بعنوان کل بقیه عدم النفع بدست می دهد.

۸۲ - خواهان ادعای خود را بابت عدم النفع، بر این اظهار مبتنی می سازد که وی باید به وضعی بازگردانده شود که در صورت عدم فسخ پیش از موعد قراردادهای، از آن برخوردار می بود. لیکن دیوان معتقد است که ماده ۳-۸ قراردادهای که در مورد این ادعا قابل اعمالند، پرداخت چنین غرامتی را پیش بینی نمی کنند. این ماده تنها ناظر بر سودی است که تا موقع فسخ قرارداد به صلاحدید خواننده، عاید می شود. چنین سودی آشکارا در اصطلاح "قیمت" که هم شامل هزینه ها و هم شامل سود هزینه های متحمل است، مستتر است. ولی ماده ۳ - ۸ قراردادهای را نمی توان به نحوی تفسیر کرد که عدم النفع را نیز شامل شود.

۸۳ - مضافاً، مانند پرونده سیلوانیا که در بالا ذکر شد (صفحه ۳۰ حکم مربوط)، دیوان متذکر می شود که در تشخیص این مطلب که آیا یک طرف، در صورت فسخ قرارداد از ناحیه طرف دیگر، ذیحق به دریافت عدم النفع هست یا خیر، لازم است این نکته در نظر گرفته شود که آیا منطقیاً عاید شدن چنین سودهایی مورد انتظار بوده یا خیر. در این پرونده، خواهان منطقیاً نمی توانسته متوقع باشد که خواننده الی الابد از اعمال حق خود به موجب ماده ۲-۴ قراردادهای در مورد فسخ قراردادهای به صلاحدید خود، احتراز کند. بنابراین، خواهان منطقیاً نمی توانسته متوقع باشد که بابت مدت بعد از تاریخ چنین فسخی، سودی عاید نماید.

ه ه) بهره

۸۴ - خواهان بابت مبالغ مورد حکم، بهره ای معادل نرخ ممتاز منتشره در بولتن فدرال رزرو مطالبه می کند، بدین شرح: بابت مبلغ صورتحسابهای پرداخت نشده، از اکتبر ۱۹۷۹، نسبت به مبالغ کسر شده از صورتحسابهای تسلیمی، از اکتبر ۱۹۸۰، و نسبت به هزینه های فسخ و عدم النفع، از ۱۸ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۷ آبان ماه ۱۳۶۰) که تاریخ ثبت

دادخواست است.

۸۵ - دیوان به این نتیجه رسیده که خواهان ذیحق است بابت صورتحسابهای پرداخت نشده‌ای که موعد پرداخت آنها اول ژانویه ۱۹۸۰ (۱۱ دیماه ۱۳۵۸) بوده، مبلغ -/۷۶۸۱،۸۷۰ دلار، و بابت مبالغ کسر شده از صورتحسابهایی که موعد پرداخت آنها ۱۸ اکتبر ۱۹۸۰ (۲۶ مهرماه ۱۳۵۹) بوده، مبلغ -/۱،۲۸۱،۰۰۱ دلار، و بابت هزینه و سوده‌های مربوط به سایر کارهای انجام شده، به ترتیب مبلغ -/۴۹۱،۴۱۴ دلار و -/۲۳۷،۵۰۰ دلار که خواهان آنها را تحت عنوان "هزینه های فسخ" طبقه‌بندی کرده، دریافت نماید. با توجه به ملاحظات کلی مندرج در حکم صادره در پرونده سیلوانیا (صفحات ۳۱ ببعده)، به نظر دیوان منطقی است که بهره ساده‌ای به نرخ ۱۰/۷۵ درصد در سال نسبت به مبلغ -/۷۶۸۱،۸۷۰ دلار از اول ژانویه ۱۹۸۰ (۱۱ دیماه ۱۳۵۸)، و ۱۰/۵۰ درصد نسبت به مبلغ -/۱،۲۸۱،۰۰۱ دلار از ۱۸ اکتبر ۱۹۸۰ (۲۶ مهرماه ۱۳۵۹)، و ۹/۵۰ درصد نسبت به مبلغ -/۴۹۱،۴۱۴ دلار از ۱۸ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۷ آبان ماه ۱۳۶۰)، و ۸/۵۰ درصد نسبت به مبلغ -/۲۳۷،۵۰۰ دلار از اول ژانویه ۱۹۸۳ (۱۱ دیماه ۱۳۶۱)، به نفع فوردد ارو اسپیس حکم داده شود.

و (اعتبارات اسنادی انکائی و ضمانت نامه های بانکی

۸۶ - طبق ماده ۱-۹ قراردادهای خواهان ملزم بود که تضمینی برابر ۱۰% کل قیمت قراردادهای به صورت یک یا چند ضمانت نامه بانکی به عنوان ضمانت حسن انجام کار به مبلغ -/۲،۳۷۵،۰۰۰ دلار بابت قرارداد شماره ۱۲۶ و به مبلغ -/۴،۸۹۵،۰۰۰ دلار بابت قرارداد شماره ۱۳۰ و همچنین برای تضمین پیش پرداختهای خواننده، ضمانت نامه‌ای به مبلغ -/۳،۵۵۰،۰۰۰ دلار بابت قرارداد شماره ۱۲۶ و ضمانت نامه دیگری به مبلغ -/۷،۳۵۰،۰۰۰ دلار بابت قرارداد شماره ۱۳۰، ارائه نماید.

۸۷ - طبق قراردادهای خواهان از طریق بانک آو آمریکا نشنال تراست اند سیوینگز اسوسی ایشن، سانفرانسیسکو در کالیفرنیا ("بانک آو آمریکا")، و منیو فکچرز نشنال بانک آو دیترویت، میشیگان ("منیو فکچرز بانک") ترتیبی داد که بانک ایران شهر تهران ضمانتنامه‌های پیش پرداخت و حسن انجام کار را صادر نماید. به علاوه، خواهان ترتیبی داد که بانک آو آمریکا اعتبار اسنادی شماره ۰۱۶۲۷۳ به مبلغ ۳،۵۵۰،۰۰۰/- دلار و اعتبار اسنادی شماره ۰۱۶۲۷۴ به مبلغ ۲،۳۷۵،۰۰۰/- دلار را به عنوان وثیقه تضمین های مقرر در مورد قرارداد شماره ۱۲۶، در وجه و به نفع بانک ایران شهر صادر نماید و همچنین از طریق منیو فکچرز بانک، اعتبار اسنادی شماره ۰۵۳۲۴ را به مبلغ ۷،۳۵۰،۰۰۰/- دلار و اعتبار اسنادی شماره ۰۵۳۲۳ را به مبلغ ۴،۸۹۵،۰۰۰/- دلار برای تضمین پیش پرداخت و ضمانت نامه‌های حسن انجام کار قرارداد شماره ۱۳۰ در وجه و به نفع بانک ایران شهر تامین نمود.

۸۸ - در اول مه ۱۹۸۰ (۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹) و ۱۲ مه ۱۹۸۰ (۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹)، خواننده از طریق بانک ایران شهر وجه اعتبارات اسنادی را که کلاً به ۱۷،۷۶۰،۰۰۰/- دلار بالغ می شود، از بانک آو آمریکا و منیو فکچرز بانک مطالبه نمود. در دعوائی که خواهان در ایالات متحده علیه خواننده اقامه کرده بود، قراری تحصیل نمود که طبق آن، مطالبه مجدد وجه ضمانت نامه ها یا اعتبارات اسنادی موقتاً ممنوع شده است. قرار یاد شده تا امروز به اعتبار خود باقی است.

۸۹ - دیوان معتقد است که چون قراردادهای فسخ گردیده و بعد از فسخ آنها کاری انجام نشده که تضمین گردد و چون بقیه وجه پیش پرداختها به حساب بستانکار خواننده منظور شده، و بنابراین تضمین دیگری لازم نیست، لهذا ضمانت نامه ها و اعتبارات اسنادی صادره برای این منظور، دیگر مفهومی ندارند. به علاوه، طبق ماده ۴-۹ قراردادهای خواننده متعهد بود هرگاه قراردادهای را بدون آنکه تقصیری متوجه خواهان باشد، فسخ کند، ضمانت نامه های بانکی حسن انجام کار را آزاد نماید. در مورد ضمانت

نامه های پیش پرداخت، ماده ۹-۵ قرارداد شماره ۱۲۶ مقرر می دارد که اینگونه ضمانت نامه ها "ظرف چهار هفته بعد از تسویه مبلغ پیش پرداختها آزاد خواهد شد" و ماده ۹-۵ قرارداد شماره ۱۳۰ با کمی تفاوت انشاء، قید می کند که آن ضمانتنامه ها "ظرف چهار هفته بعد از تسویه پیش پرداختها آزاد خواهد شد". بنابراین، خواننده ملزم است تقاضای دریافت وجه این ضمانت نامه ها را پس گرفته، در آتیه نیز از مطالبه آنها خودداری کند. وی همچنین متعهد است که ترتیب ابطال آن ضمانت نامه های بانکی را داده، اطمینان حاصل کند که اعتبارات اسنادی مربوطه آنها آزاد خواهد شد.

(د) بدهی مالیاتی

۹۰ - طبق ماده ۳-۵ هریک از قراردادهای خواننده ملزم است:

"کلیه مالیاتهای داخل ایران را در مورد این قرارداد از طرف کمپانی فروشنده و پرسنل غیرایرانی او که برای این قرارداد کار می کنند"، بپردازد.

مفاد این ماده همچنین قید می کند که:

"اگر دولت ایران مالیاتی از فروشنده مطالبه کند، فروشنده می تواند وجه مربوط را علاوه بر مبلغ قرارداد، از خریدار وصول نماید."

راجع به مالیاتهایی که وزارت امور اقتصادی و دارائی ایران بابت وجوه دریافتی ارونوترانیک در رابطه با قراردادهای شماره ۱۲۶ و ۱۳۰ جمعاً مبلغ -/۱۴۲،۶۳۹،۱۰۶ ریال تعیین کرده، خواهان درخواست می کند که دیوان اعلام نماید این بدهی توسط ایران پرداخت خواهد شد و رسیدی بابت پرداخت مالیات به وی داده شود و وی و ارونوترانیک از کلیه دیون مالیاتی در مورد قراردادهای شماره ۱۲۶ و ۱۳۰ بری الذمه اعلام کردند.

۹۱ - دیوان معتقد است که این درخواست باید به لحاظ فقد صلاحیت مردود شناخته شود. مدارک تسلیمی خواهان دال بر آنست که این مالیاتها در سال ۱۹۸۲ تعیین شده و خواهان اثبات نکرده که قبل از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹)، یعنی تاریخ بیانیه حل و فصل دعاوی، مالیاتی از وی مطالبه شده، چه رسد به اینکه مالیاتی پرداخت کرده باشد. با توجه به اینکه در مورد حق خواهان به استرداد مالیاتها، صرفاً یک مبنای قراردادی وجود دارد، بنابراین دیوان نتیجه می‌گیرد که حتی اگر چنین ادعائی هم وجود می‌داشت، در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) که بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر داشته، پابرجا نبوده است.

(ه) جریان دادرسی در ایران

۹۲ - خواننده در ۴ مه ۱۹۸۲ (۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) ادعای متقابلی به مبلغ ۱۶،۶۵۷،۱۱۱/- دلار "بابت دو قرارداد" و سایر خسارات در پرونده حاضر به ثبت رساند. در ۶ دسامبر ۱۹۸۲ (۱۵ آذرماه ۱۳۶۱)، خواننده دعوائی علیه خواهان در دادگاه عمومی تهران اقامه و ادعا کرد که خواهان قراردادهای شماره ۱۲۶ و ۱۳۰ را نقض نموده و مبلغ ۱۶،۶۵۷،۱۴۱/- دلار به علاوه خسارات در رابطه با این دو قرارداد مطالبه کرد. دیوان به درخواست خواهان، که به دادگاه عمومی تهران احضار شده بود، قرار موقت شماره ۲-۹۳-۱۶ (۲۷ آوریل ۱۹۸۳/۷ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) را در پرونده فرود آرو اسپیس اند کامیونیکیشنز کورپوریشن به طرفیت دولت ایران و سایرین صادر و از دولت ایران درخواست کرد که موجبات توقیف دادرسی را در دادگاه عمومی تهران تا ختم جریان رسیدگی در دیوان، فراهم آورد. دیوان پس از احضاریه دومی که دادگاه عمومی تهران برای خواهان ارسال داشت، در ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۳ (۲۷ شهریورماه ۱۳۶۲) دستوری صادر و به خوانندگان، قرار موقت را یادآوری و "موکدا" مفاد دستور صادره را در مورد توقیف دادرسی در دادگاه تهران، تکرار نمود.

۹۳ - دیوان پس از دریافت «اخطار» مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۸۴ (۸ اسفندماه ۱۳۶۲) خواهان مبنی بر «تخلف ایران از قرار موقت»، طی دستور مورخ ۲ مارس ۱۹۸۴ (۱۱ اسفندماه ۱۳۶۲)، نظرات دولت ایران را خواستار شد و در ضمن، مفاد دستور دیوان را در قرار موقت و نیز دستور مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۳ (۲۸ شهریورماه ۱۳۶۲) دیوان را مجدداً به دولت ایران یادآوری کرد. خواهان یک نسخه راعی مورخ ۲۹ فروردین ماه ۱۳۶۳ (۱۸ آوریل ۱۹۸۴) «دادگاه عمومی تهران» را تسلیم نموده که به موجب آن، ادعای خوانده در مورد استرداد مبلغ -/۹،۷۲۱،۵۸۴ دلار پیش‌پرداخت موضوع قرارداد شماره ۱۳۰ و مبلغ -/۵،۸۵۴،۰۱۶ دلار پیش‌پرداخت موضوع قرارداد شماره ۱۲۶، به علاوه -/۵۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار بابت «خسارات تبعی» مردود شناخته شده است. خوانده در لایحه استماع مقدماتی که در ۱۶ اکتبر ۱۹۸۵ (۲۴ مهرماه ۱۳۶۴) به ثبت رسانده، توضیح داده است که پرونده‌ای که دادگاه عمومی تهران درباره آن رای صادر کرده، در دادگاه پژوهش مطرح خواهد شد و چون تاریخی برای «تحقیقات» آن دادگاه تعیین نشده، خوانده ادعا می‌کند که جریان دادرسی در ایران طبق دستور دیوان، به تعویق افتاده است. در جلسه استماع، خواهان به این استدلال اعتراض کرد.

۹۴ - نظر به اینکه دیوان در این حکم، درباره صلاحیت خود و همچنین ماهیت ادعاها و ادعاهای متقابل ذیربطه، تصمیم می‌گیرد، قرار موقت صادره در این پرونده، طبق مفاد خود، منقضی می‌شود. از آنجا که دیوان راجع به ادعاها و ادعاهای متقابل احراز صلاحیت کرده، این ادعاها و ادعاهای متقابل از تاریخ ثبت در دیوان، از حیثه صلاحیت هر دادگاه دیگری خارج می‌باشند. این پیامد مفاد بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی را دیوان از زمان صدور قرار موقت شماره ۳۸۸-۱۳ دیوان عمومی (۴ فوریه ۱۹۸۳-۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۱) در پرونده ئی سیستمز اینکوریوریتد به طرفیت دولت جمهوری اسلامی ایران، همواره مورد تأیید قرار داده است. اثر احراز صلاحیت دیوان در پرونده حاضر اینست که از تاریخ ۴ مه ۱۹۸۲ (۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱)، یعنی تاریخ ثبت ادعاهای متقابل خوانده در دیوان، دادگاه عمومی تهران دیگر برای رسیدگی

به موضوع ادعائی که خواننده در ۶ دسامبر ۱۹۸۲ (۱۵ آذرماه ۱۳۶۱) در آن دادگاه مطرح کرده، صالح نمی باشد. بنابراین، براساس بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، رای مورخ ۱۸ آوریل ۱۹۸۴ (۲۹ فروردین ماه ۱۳۶۳) دادگاه عمومی تهران، فاقد اثر قانونی بوده و هر دادرسی دیگری در تعقیب ادعائی که رای مزبور بر آن مبتنی بوده نیز، فاقد اثر قانونی خواهد بود.

(و) هزینه ها

۹۵ - خواهان اینک جمعا مبلغ ۵۰۴،۵۶۰/۸۱ دلار بابت هزینه تعقیب ادعای مطروح علیه خواننده در دیوان داوری، مطالبه می کند. این مبلغ، شامل هزینه های حقوقی مربوط به جریان رسیدگی دیوان به این پرونده، به مبلغ ۴۳۴،۶۸۳/۱۳ دلار، هزینه ترجمه لوایح خواهان به فارسی، برای ثبت در دیوان به مبلغ ۲۴،۰۵۷/۷۵ دلار و هزینه حسابرسی به مبلغ ۳۶،۵۲۹/- دلار و بالاخره هزینه سفر شهود به مبلغ ۹،۲۹۰/۹۳ دلار می باشد.

۹۶ - باتوجه به ضوابط تعیین شده در پرونده سیلوانیا، (صفحات ۳۵ تا ۳۸ حکم مربوط) و نظر به موضوعات حقیقی و حقوقی این پرونده، دیوان مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار را بابت هزینه های حقوقی که خواننده باید به خواهان بپردازد، منطقی می داند.

(ز) ادعاهای متقابل

الف الف) مانده پیش پرداختها و خسارات خواننده

۹۷ - خواننده بر مبنای این فرض که فوراً رو اسپیس قراردادها را نقض و در اجرای آنها قصور کرده، کلاً مبلغ ۱۶،۶۵۷،۱۴۱/- دلار بابت مانده پیش پرداختها و

صورتحسابهای پرداخت شده، به علاوه بهره و خسارات ناشی از نقض ادعائی قراردادهای از ناحیه خواهان، مطالبه می کند. چون دیوان نظر داده که خواهان قراردادهای را نقض نکرده، بلکه در حد امکان و با توجه به اوضاع و احوال آنوقت تا موقع فسخ قراردادهای از ناحیه ایران، تعهدات قراردادی خود را ایفاء نموده، مبنائی برای ادعای اعم از مطالبه مبالغ پرداختی یا خسارات وجود ندارد. بنابراین این قسمت از ادعاهای متقابل باید مردود اعلام شود.

ب ب) مالیاتها

۹۸ - خواننده در ادعای متقابل خود بابت مالیاتها اظهار می دارد که طبق برگ تشخیص مالیاتی وزارت امور اقتصادی و مالی ایران، خواهان مبلغ ۱۵۴،۹۹۴،۱۷۵ ریال بابت مالیات بدهکار است. خواننده به ماده ۳-۵ قراردادهای منقول در فوق استناد می کند که از جمله شرط می کنند که اگر مالیاتهایی در ایران به خواهان تعلق گیرد، وجه مربوط علاوه بر مبلغ قرارداد، از خواننده قابل وصول است. خواننده استدلال می کند که به دلیل این شرط، خواهان می بایست از مقامات مالیاتی درخواست صدور برگ تشخیص مالیاتی می کرد، تا مالیاتهای متعلقه تعیین و بعد از پرداخت توسط خواهان، به قیمت قرارداد افزوده شود. خواهان در آنصورت می توانست همانطور که در ماده ۳-۵ پیش بینی شده، مالیاتهای پرداختی را از خواننده وصول نماید. خواننده مضافاً استدلال می کند که خواهان همچنین مسئول جرایم دیرکردی است که مقامات مالیاتی ایران به لحاظ قصور در پرداخت مالیات، طبق این ماده مطالبه می کنند.

۹۹ - دیوان معتقد است که ماده ۳-۵ قراردادهای تعهدی جهت پرداخت مالیاتهای ایران، برای خواهان ایجاد نمی کند. بالعکس، اولین جمله این ماده صراحتاً "خواننده را متعهد می کند که هر مالیاتی را در ایران در ارتباط با قراردادهای بپردازد و ضمناً خواهان وظیفه ای از نظر مراجعه به مقامات ایرانی برای تعیین مالیات متعلقه نداشته، بلکه

خوانده متعهد به انجام این کار است. جمله دوم این ماده که خوانده بی دلیل آنرا از جمله اول مجزا می کند، تنها به منظور اطمینان بین طرفین است که اگر مالیاتی در ایران به خواهان تعلق گیرد، خواهان می تواند آن را از خوانده وصول نماید.

۱۰۰ - طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای متقابل، محدود به آنهایی است که "از همان قرارداد، معامله یا رویدادی که موضوع ادعای اصلی را تشکیل می دهند، ناشی شده باشند". تعهد ادعائی خواهان نسبت به پرداخت مالیاتها در این پرونده بواسطه قراردادهائی که موضوع ادعا می باشند، ایجاد نشده، بلکه چنین تعهدی با اعمال قوانین مالیاتی ایران ایجاد گردیده است. تعهد پرداخت مالیات یک رابطه حقوقی است که از اعمال قانون نسبت به وضع حقیقی شخص یا یک واحد حقوقی ناشی می شود، و نه از رابطه قراردادی موجود بین طرفین قرارداد، به موجب قرارداد. به این دلایل، ادعای متقابل خوانده بابت مالیاتها خارج از حیطه صلاحیت دیوان است.

ج ج (وسائل و تجهیزات ارائه شده توسط خریدار)

۱۰۱ - در مورد ادعای متقابل مطروح بابت تحویل تجهیزات، خواهان طی لایحه‌ای که در ۱۵ مارس ۱۹۸۴ (۲۴ اسفندماه ۱۳۶۲) ثبت نموده، اعتراف کرده است تجهیزات را که واتکینز جانسون کامپنی از طرف دولت ایران برای وی ارسال داشته، در ایالات متحده نگاهداشته است. خواهان همچنین تذکر داده که حقی نسبت به این تجهیزات، که حسب ادعا هم ایران و هم واتکینز جانسون مدعی مالکیت آنها هستند، ندارد، بلکه صرفاً تا زمانی که دیوان یا مرجع صالح دیگری تعیین کند که کدامیک از طرفین حق تصرف آنها را دارند، وی به عنوان امین آن تجهیزات را نگاهداری می کند و سپس به مجرد صدور پروانه صادرات یا هر پروانه لازم دیگری، وی آن اموال را در اختیار طرف ذیحق قرار خواهد داد.

۱۰۲ - خواهان در جلسه استماع ادعا کرد که قرار بود ایران، بعنوان خریدار، سه نوع وسیله مختلف تهیه کند که عبارت بودند از وسایلی که هیولیت پکارد و آرگو سیستمز و آتکینز جانشون باید تحویل می دادند. خواهان همچنین اظهار می دارد که در واقع تنها بعضی از تجهیزات که واتکینز جانشون باید تهیه می کرد، تحویل داده شده که هنوز در انبار است. خواهان بدواً اشاره کرده بود که هزینه‌های مختصری بابت انبارداری مطالبه خواهد کرد، ولی بعداً "توافق کرد طبق تصمیم دیوان، آن وسایل را تحویل دهد.

۱۰۳ - خواننده اظهار می دارد که خواهان وسایل دیگری، فی المثل وسایلی که توسط آرگو سیستمز تحویل داده شده، در اختیار دارد. خواهان این موضوع را انکار می کند.

۱۰۴ - خواننده با اظهار این مطلب که تردیدی در مورد مالکیت ایران نسبت به وسایل تحویلی واتکینز جانشون وجود ندارد، در جلسه استماع درخواست کرد که دیوان تا اخذ تصمیم در پرونده شماره ۳۷۰ مطروح در دیوان (واتکینز جانشون و جمهوری اسلامی ایران) صلاحیت خود را نسبت به این قسمت از ادعای متقابل محفوظ نگهدارد. طبق نظر خواننده، دیوان باید در آنصورت به خواهان دستور دهد که وسایل را به ایران تحویل داده، در صورت لزوم، پروانه صادرات تحصیل نماید. در صورتی که این کار میسر نباشد، نظر خواننده اینست که دیوان باید به خواهان دستور دهد که خسارات خواننده را جبران نماید.

۱۰۵ - دیوان تا اخذ تصمیم در پرونده واتکینز جانشون، صلاحیت خود را نسبت به این قسمت از ادعای متقابل، محفوظ می دارد.

چهارم - حکم

۱۰۶ - به دلایل پیش گفته،

دیوان مقرر می دارد که :

۱ - خواننده، جمهوری اسلامی ایران متعهد است مبلغ نه میلیون و ششصد و نود و یک هزار و هفتصد و هشتاد و پنج دلار (-/۹,۶۹۱,۷۸۵ دلار آمریکا)، به علاوه بهره ساده به نرخ ۱۰/۷۵ درصد (براساس سالی ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۷,۶۸۱,۸۷۰ دلار از اول ژانویه ۱۹۸۰ (۱۱ دیماه ۱۳۵۸)، و به نرخ ۱۰/۵۰ درصد نسبت به مبلغ -/۱,۲۸۱,۰۰۱ دلار از ۱۸ اکتبر ۱۹۸۰ (۲۶ مهرماه ۱۳۵۹)، و به نرخ ۹/۵۰ درصد نسبت به مبلغ -/۴۹۱,۴۱۴ دلار از ۱۸ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۷ آبان ماه ۱۳۶۰) و به نرخ ۸/۵۰ درصد نسبت به مبلغ -/۲۳۷,۵۰۰ دلار از اول ژانویه ۱۹۸۳ (۱۱ دیماه ۱۳۶۱) لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از محل حساب تضمینی به بانک امین صادر می کند، به علاوه ۵۰,۰۰۰ دلار بابت هزینه دآوری، به خواهان، مورد ارو اسپیس اند کامیونیکیشنز کورپوریشن، بپردازد.

این تعهدات با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح به موجب بند هفت بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر ایفاء خواهند شد.

۲ - خواهان متعهد است مبلغ -/۵,۷۵۰ دلار بابت هزینه هائی که بانک مرکزی در این جریان رسیدگی متحمل گردیده، به نامبرده بپردازد.

۳ - در مورد جریان دادرسی مطروح توسط وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران در دادگاه عمومی تهران، دیوان مقرر می دارد که ادعاهائی که دیوان به

موجب حکم حاضر خود را نسبت بدانها صالح دانسته، از تاریخ ثبت به صورت ادعاهای متقابل در این دیوان، از صلاحیت آن دادگاه یا هر دادگاه دیگری طبق مقررات بیانیه حل و فصل دعاوی خارج است و در آتیه نیز کماکان خارج خواهند بود.

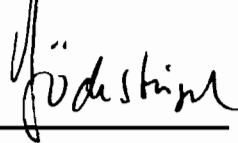
۴ - ضمانتنامه های بانکی صادره توسط بانک ایرانشهر به موجب ماده ۱-۹ هریک از قراردادهای و اعتبارات اسنادی شماره ۰۱۶۲۷۳ و شماره ۰۱۶۲۷۴ صادره توسط بانک آو امریکا و اعتبارات اسنادی شماره ۰۵۳۲۳ و ۰۵۳۲۴ صادره توسط منیوفکچرز بانک دیگر بلاثر می باشند. خواننده، دولت جمهوری اسلامی ایران، باید کلیه درخواست های پرداخت وجه مرتبط با این ضمانت نامه ها را مسترد داشته و در آتیه نیز از مطالبه وجه آنها خودداری کند. خواننده باید کلیه اقدامات لازم را معمول داشته، اطمینان حاصل نماید که بانک ایرانشهر ضمانت نامه ها را باطل، و اعتبارات اسنادی را آزاد کرده، کلیه درخواست های پرداخت وجه اعتبارات اسنادی را مسترد نموده، در آتیه نیز از مطالبه مجدد وجه آنها خودداری کند.

۵ - دیوان صلاحیت خود را نسبت به آن قسمت از ادعای متقابل که به وسایل واتکینز جانسون مربوط بوده و اینک توسط خواهان نگهداری می شود، محفوظ می دارد.


۶ - مابقی ادعاها و ادعاهای متقابل مردود اعلام می شوند.

بدینوسیله حکم حاضر برای ابلاغ به کارگزار امانی، به ریاست دیوان تسلیم می شود.

لاسه، به تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۸۷ برابر با ۹ بهمن ماه ۱۳۶۵



کارل - هاینس بوکشتیگل
رئیس شعبه یک



هوارد ام. هولتزمن

بنام خدا



محسن مصطفوی
نظر مخالف

کاملاً" با حکم صادره موافقم، به استثنای حکم به پرداخت ۱۰٪ هزینه های اثبات شده خواهان، که صرفاً جهت حصول اکثریت، به حکم می پیوندم، علی الخصوص به این جهت که کلیه هزینه های درخواستی بانک مرکزی مورد حکم واقع شده است. رجوع شود به نظر جداگانه اینجانب در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز، اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵ / ۶ تیرماه ۱۳۶۴)